



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق یقیناً

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سرتوتی از نور

گزیده تفسیر نور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرتوی از نور : گزیده تفسیر نور

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	پرتوی از نور : گزیده تفسیر نور جلد ۸
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۲۰	۱- رستگاران
۲۱	۲- مفسد زنا
۲۳	۳- توبیخ و انتقادهای الهی
۲۴	۴- نگاه و آداب نگاه کردن
۲۷	۵- جانشینان خداوند در جهان
۳۰	۶- ضرورت پیشگیری از فحشا
۳۳	۷- عوامل گمراهی و انحراف
۳۴	۸- آیین دوست یابی
۳۷	۹- مهجوریت قرآن
۳۹	۱۰- آثار و دلایل نزول تدریجی قرآن
۴۰	۱۱- اصحاب رس
۴۲	۱۲- پیامدهای هواپرستی
۴۳	۱۳- منحرفان پست تر از حیوانات
۴۶	۱۴- علل سکوت امیرمؤمنان
۴۷	۱۵- شعر و شاعران
۴۹	۱۶- سیمای زیانکاران
۵۰	۱۷- معجزات حضرت موسی
۵۲	۱۸- تعلیمات ویژه الهی
۵۴	۱۹- آداب مدیریت اسلامی
۵۷	۲۰- فضایل امیرمؤمنان و اهل بیت

۵۹	۲۱- ریشه ایمان به خدا
۶۰	۲۲- شبهه زیارت پیامبر
۶۲	۲۳- دایه الارض
۶۵	۲۴- سیمای قیامت در قرآن
۶۶	۲۵- سیمای حج
۶۷	۲۶- مصرف هدفمند
۶۸	۲۷- قدرت در دست صالحان و فاسدان
۶۹	۲۸- مردم و وسوسه های شیطان
۷۰	۲۹- تنوع برنامه های سعادت بخش
۷۰	۳۰- رستگاری و کشاورزی
۷۱	۳۱- اهمیت زکات
۷۲	۳۲- اهمیت امانت و امانتداری
۷۳	۳۳- دلایل بهترین آفریدگار
۷۴	۳۴- نوح و توجه به خدا
۷۴	۳۵- شبهه پراکنی کفار
۷۶	۳۶- امت یگانه
۷۶	۳۷- مراحل تکامل معنوی انسان
۷۷	۳۸- برخی شرایط مدیریت
۷۸	۳۹- پیامدهای تأثیرپذیری حق
۷۸	۴۰- جلوه های طغیان در افراد مختلف
۷۹	۴۱- دلایل تأخیر عذاب
۸۰	۴۲- تفاوت روزهای دنیا و آخرت
۸۰	۴۳- اهداف آفرینش انسان
۸۲	۴۴- زیانکاران
۸۳	۴۵- یکپارچگی مسلمانان
۸۴	۴۶- فواید و آفات زبان

۸۴	۴۷- گام های شیطانی
۸۶	۴۸- گواهی اعضای بدن در روز قیامت
۸۷	۴۹- ثمرات حجاب و ترک جلوه گری
۸۸	۵۰- ازدواج در روایات
۸۹	۵۱- دستورات ملازم یکدیگر
۹۰	۵۲- حجاب و موارد استثنای آن
۹۱	۵۳- آثار توجه و غفلت از خدا
۹۲	۵۴- انگیزه های پرسیدن
۹۲	۵۵- عوامل نسیان و غفلت
۹۳	۵۶- آثار ظلم
۹۵	۵۷- ترتیل در تلاوت قرآن
۹۶	۵۸- انواع لباس و پوشش
۹۶	۵۹- پاداش زحمات پیامبر
۹۸	۶۰- گستره رحمت الهی
۹۹	۶۱- اعتدال در انفاق
۹۹	۶۲- عوامل مضاعف شدن کیفر
۱۰۰	۶۳- اهمیت دعا
۱۰۲	۶۴- خصوصیات کفار
۱۰۲	۶۵- عوامل سعادت آفرین
۱۰۳	۶۶- شفاعت در روایات
۱۰۳	۶۷- آفت ساخت و ساز
۱۰۴	۶۸- روش دعوت انبیا
۱۰۵	۶۹- امتیازات قرآن
۱۰۵	۷۰- نفی ظلم از خداوند
۱۰۶	۷۱- تنوع وحی
۱۰۸	۷۲- آتش در قرآن

- ۱۰۹- ویژگی های جَنیان ۷۳
- ۱۱۰- عمل صالح یا صالح بودن ۷۴
- ۱۱۰- عوامل انحراف ۷۵
- ۱۱۱- دلایل مستجاب نشدن دعا ۷۶
- ۱۱۲- مراحل حیات ۷۷
- ۱۱۳- رجعت و نمونه های آن در قرآن ۷۸
- ۱۱۴- وسایل آرام بخش در قرآن ۷۹
- ۱۱۶- درباره مرکز ۷۹

مشخصات کتاب

سرشناسه:قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان قراردادی:تفسیر نور .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور:پرتوی از نور : گزیده تفسیر نور / محسن قرائتی.

مشخصات نشر:تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری:۷۲۰ص.

شابک:۶۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۵۲-۷۰-۶:

وضعیت فهرست نویسی:فایا

یادداشت:پشت جلد به انگلیسی: Mohsen Gharaati. Radiance of light.

یادداشت:کتاب حاضر قبلا به صورت جلدهای مجزا منتشر شده است.

یادداشت:چاپ دوم: ۱۳۸۸.

یادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع:تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

شناسه افزوده:قرائتی، محسن، ۱۳۲۴.-تفسیر نور . برگزیده

شناسه افزوده:مرکز فرهنگی درسهای از قرآن

رده بندی کنگره:BP۹۸/ق۳۵پ۳۶ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی:۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی:۱۸۳۸۳۴۹

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

پرتوی از نور (۸) رستگاران

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (مؤمنون، ۱ - ۲)

قطعاً مؤمنان رستگار شدند. همان کسانی که در نمازشان خشوع دارند.

در قرآن افراد و گروه هایی رستگار و پیروز معرفی شده اند:

۱. عابدان. «واعبدوا ربكم وافعلوا الخير لعلكم تفلحون» (۱) پروردگارتان را پرستش کنید، شاید رستگار شوید.

۲. آنان که اعمالشان ارزشمند و سنگین است. «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۲)

۳. دوری کنندگان از بخل. «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۳)

۴. حزب الله. «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۴) حزب خدا رستگارند.

۵. اهل ذکر کثیر. «واذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون» (۵) خدا را بسیار

ص: ۱۱

۱-۱ حج، ۷۷.

۲-۲ اعراف، ۸.

۳-۳ حشر، ۹.

۴-۴ مجادله، ۲۲.

۵-۵ انفال، ۴۵.

یاد کنید تا رستگار شوید.

۶. تقوا پیشگان. «فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۱) ای خردمندان! تقوا پیشه کنید تا رستگار شوید.

۷. مجاهدان. «و جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۲) در راه خدا جهاد کنید تا رستگار شوید.

۸. توبه کنندگان. «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۳) ای اهل ایمان! همگی توبه کنید تا رستگار شوید.

۲- مفسد زنا

پرتوی از نور (۸) « مفسد زنا

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (نور، ۲)

هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید. و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید در اجرای دین خدا نسبت به آن دو گرفتار دلسوزی نشوید و باید هنگام کیفر آن دو، گروهی از مؤمنین حاضر و ناظر باشند.

برخی از مفسد زنا، در یکی از سخنان امام رضا علیه السلام عنوان شده، از جمله:

۱. ارتکاب قتل به وسیله ی سقط جنین.

۲. بر هم خوردن نظام خانوادگی و خویشاوندی.

۳. ترک تربیت فرزندان.

ص: ۱۲

۱- (۶) مائده، ۱۰۰.

۲- (۷) مائده، ۳۵.

۳- (۸) نور، ۳۱.

۴. از بین رفتن موازین ارث. (۱)

* علی علیه السلام ترک زنا را مایه ی استحکام خانواده و ترک لواط را عامل حفظ نسل می داند. (۲)

* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زنا، دارای زیان های دنیوی و اُخروی است:

اما در دنیا: از بین رفتن نورانیت و زیبایی انسان، مرگ زودرس و قطع روزی.

اما در آخرت: درماندگی، هنگام حساب قیامت؛ غضب الهی و جهنم همیشگی. (۳)

* از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: هر گاه زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی هم زیاد می شود. (۴)

* زنا نکنید، تا همسران شما نیز به زنا آلوده نشوند.

هر که به ناموس دیگران تجاوز کند، به ناموسش تجاوز خواهد شد. همان گونه که با دیگران رفتار کنید، با شما رفتار خواهد شد. (۵)

از مکافات عمل غافل مشو

گندم از گندم بروید جو ز جو

* چهار چیز است که هر یکی از آنها در هر خانه ای باشد آن خانه، ویرانه است و برکت ندارد: ۱. خیانت، ۲. دزدی، ۳. شرابخواری، ۴. زنا. (۶)

ص: ۱۳

۱- ۹) بحار، ج ۷۹، ص ۲۴.

۲- ۱۰) نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۳- ۱۱) بحار، ج ۷۷، ص ۵۸.

۴- ۱۲) بحار، ج ۷۳، ص ۳۷۲.

۵- ۱۳) بحار، ج ۷۶، ص ۲۷.

۶- ۱۴) بحار، ج ۷۶، ص ۱۹.

* زنا، از بزرگ ترین گناهان کبیره است. (۱)

* امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه مردم مرتکب چهار گناه شوند، به چهار بلا گرفتار شوند:

۱. زمانی که زنا رواج یابد، زلزله خواهد آمد.

۲. هر گاه مردم زکات نپردازند، چهار پایان به هلاکت می رسند.

۳. هر گاه قضاوت مسئولان قضایی، ظالمانه باشد، باران نخواهد بارید.

۴. زمانی که پیمان شکنی شود، مشرکان بر مسلمانان غلبه خواهند کرد. (۲)

۳- توبیخ و انتقادهای الهی

پرتوی از نور (۸) « توبیخ و انتقادهای الهی

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (نور، ۱۲)

چرا زمانی که تهمت را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خویش گمان خوب نبردند و نگفتند که این تهمت بزرگ و آشکار است؟

در قرآن کریم، کلمه ی «لولا» در موارد متعددی برای انتقاد و توبیخ به کار رفته است که در این جا چند مورد را می آوریم:

۱. «لولا ینهاهم الزبانیون» (۳) چرا علما نهی از منکر نمی کنند؟!

۲. «لولا اذ سمعتموه» (۴) چرا هر شنیده ای را می پذیرید؟!

۳. «لولا جاءوا علیه بأربعة شهداء» (۵) چرا برای سخن ناروای خود چهار شاهد نمی آورند؟

ص: ۱۴

۱- (۱۵) بحار، ج ۷۶، ص ۱۹.

۲- (۱۶) بحار، ج ۷۶، ص ۲۱.

۳- (۱۷) مائده، ۶۳.

۴- (۱۸) نور، ۱۲.

۵- (۱۹) نور، ۱۳.

۴. «لو لا تَسْتَغْفِرُونَ» (۱) چرا از خدا آمرزش نمی خواهید؟

۵. «فلو لا اذ جاءهم بأَسْنَأ تَضَرَّعُوا» (۲) چرا زمانی که عذاب ما به آنان رسید، تَضَرَّع نکردند؟

۶. «فلو لا تَشْكُرُونَ» (۳) چرا شکر گزار نیستید؟

۷. «فلو لا تَصَدَّقُونَ» (۴) چرا تصدق نمی کنید؟

۸. «فلو لا تَذْكُرُونَ» (۵) چرا عبرت نمی گیرید؟

۹. «فلو لا نَفَر من كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (۶) چرا از هر فرقه ای دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند؟

۴- نگاه و آداب نگاه کردن

پرتوی از نور (۸) « نگاه و آداب نگاه کردن

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (نور، ۳۰)

به مردان مؤمن بگو: از بعضی نگاه های خود (نگاه های غیر مجاز) چشم پوشی کنند و دامن خود را حفظ نمایند. این برای پاکتر ماندن آنان بهتر است. خداوند به آنچه انجام می دهند آگاه است.

* حضرت علی علیه السلام فرمود: «لكم أوّل نظره الى المرئه فلا تتبعوها بنظره أُخري واحذروا الفتنة» نگاه اوّل مانعی ندارد؛ ولی ادامه ی نگاه اشکال دارد؛ زیرا سبب فتنه می شود. (۷)

* در حدیثی می خوانیم: تمام چشم ها در قیامت گریان است مگر سه چشم: چشمی که از ترس خدا بگرید و چشمی که از گناه بسته شود و چشمی که در راه خدا بیدار بماند. (۸)

ص: ۱۵

۱- ۲۰) نمل، ۴۶.

۲- ۲۱) انعام، ۴۳.

۳- ۲۲) واقعه، ۷۰.

۴- ۲۳) واقعه، ۵۷.

۵- ۲۴) واقعه، ۶۲.

١٢٢-٢٥) توبه، ١٢٢.

١٢٢-٢٦) تفسير كنزالدقائق.

١٢٢-٢٧) تفسير كنزالدقائق.

* در «صحیح بخاری» می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جلو راه مردم ننشینید. مردم گفتند: ما ناچاریم از نشستن. فرمود: پس حق آن را ادا کنید. پرسیدند: حق آن چیست؟ فرمود: «عَضَّ البَصْرَ وَ كَفَّ الأَذَى وَ رَدَّ السَّلَامَ وَ الأَمْرَ بالمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ المُنْكَرِ» ترک چشم چرانی و مردم آزاری، جواب دادن به سلام دیگران، امر به معروف و نهی از منکر.

* حضرت عیسی علیه السلام فرمود: از نگاه به نامحرم بپرهیزید که بذر شهوت را در دل می نشاند و همین برای دچار شدن انسان به فتنه کافی است. (۱)

* حضرت علی علیه السلام فرمود: «العین رائد القلب» چشم، دل را به دنبال خود می کشد. «العین مَصائد الشیطان» چشم، قلاب شیطان و چشم پوشی بهترین راه دوری از شهوات است. (۲)

* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «النَّظَرُ سَيْئٌ لَهُمْ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِیسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللّهِ اعطاه الله ايماناً يَجِدُ حَلاوَهَ فِي قَلْبِهِ» (۳) نگاه بد تیری از تیرهای مسموم شیطان است که هر کس از ترس خدا چشم خود را فروبندد خداوند به او ایمانی می دهد که از درون خویش شیرینی و مزه ی آن را احساس می کند.

* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس چشم خود را از حرام پر کند، در قیامت چشم او از آتش پر خواهد شد مگر اینکه توبه کند. (۴)

* امام صادق علیه السلام درباره ی نگاه مجاز به زن نامحرم فرمود: «الْوَجْهَ وَ الكَفَّيْنِ وَ القَدَمَيْنِ» یعنی نگاه به صورت و کف دست ها

ص: ۱۶

۱- ۲۸) تفسیر روح البیان.

۲- ۲۹) غرر الحکم.

۳- ۳۰) بحار، ج ۱۰۴، ص ۳۸.

۴- ۳۱) بحار، ۷۶، ص ۳۳۶.

و روی پاها جایز است، (لکن بدون شهوت).^(۱)

۵- جانشینان خداوند در جهان

پرتوی از نور (۸) « جانشینان خداوند در جهان

وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيَسِّرَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور، ۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امتیث را جایگزین کند، تا (تنها) مرا پرستند و چیزی را شریک من نکنند، و هر کس بعد از این، کفر ورزد پس آنان همان فاسقانند.

در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام می خوانیم: مصداق کامل این آیه، روز حکومت حضرت مهدی علیه السلام است.^(۲)

در قرآن، بارها به حکومت نهایی صالحان تصریح شده است، از جمله: سه مرتبه فرمود: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^(۳) یعنی

ص: ۱۷

۱- (۳۲) تفسیر کنزالدقائق.

۲- (۳۳) تفسیر نورالثقلین.

۳- (۳۴) توبه، ۳۳؛ فتح، ۲۸ و صف، ۹.

اسلام بر همه ی ادیان پیروز خواهد شد. در جای دیگری فرمود: «ان الارض يرثها عبادي الصالحون» (۱) یعنی بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد و در جای دیگری از قرآن کریم می خوانیم: «والعاقبه للتقوى» (۲) یا می فرماید: «والعاقبه للمتقين» (۳)

مراد از جانشینی مؤمنان در آیه یا جانشینی از خداست و یا جانشینی از اقوام فاسد هلاک شده است.

«قُطبي» در تفسیر خود، درباره ی پیروزی کامل اسلام چند حدیث نقل می کند و می گوید: در زمین خانه ای نخواهد بود مگر آن که اسلام در آن خانه وارد خواهد شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین حج خود در مسیر برگشت از مکه (روز هیجدهم ذی الحجه) در غدیر خم به فرمان خداوند حضرت علی علیه السلام را جانشین خود قرار داد، آیه نازل شد امروز من اسلام را برای شما پسندیدم؛ «رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۴) در این آیه نیز مورد وعده ی خداوند پیروزی آن دینی است که خدا پسندیده است؛ «دِينَهُمُ الْعَدِيّ ارْتَضَى لَهُمْ» و دینی که خدا پسندیده و اعلام کرده، همان مکتب غدیر خم است.

پیام هایی که از این آیه استفاده می شود به این قرار است:

۱. اسلام، دین آینده ی جهان است. آینده ی تاریخ به سود مؤمنان و شکست سلطه ی کافران است. «وعد الله... ليمنن لهم دينهم»

۲. به محرومان مؤمن، امید دهید تا فشار و سختی ها، آنها را مأیوس نکند. «وعد الله الَّذِينَ آمَنُوا»

۳. کلید و رمز لیاقت برای بدست گرفتن حکومت گسترده حق،

ص: ۱۸

۱- (۳۵) انبیاء، ۱۰۵.

۲- (۳۶) طه، ۱۳۲.

۳- (۳۷) اعراف، ۱۲۸.

۴- (۳۸) مائده، ۳.

تنها ایمان و عمل صالح است. «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» به کسانی که اهل ایمان و عمل باشند وعده ی پیروزی داده شده، نه به آنان که تنها اهل ایمان باشند.

۴. دین، از سیاست جدا نیست، بلکه سیاست و حکومت برای حفظ دین است. «لِئَسْتَخْلَفْتَهُمْ ... يَعْبدوننی»

۵. در تبلیغ و ارشاد مردم، برای باور کردن آنان، بیان نمونه هایی از تاریخ گذشته مفید است. «کما استخلف الذین من قبلهم»

۶. پیروزی نهایی اهل حق، یک سنت الهی است. «کما استخلف الذین من قبلهم»

۷. هدف از پیروزی و حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امتیت کامل است. «لیمکنن لهم دینهم - لیبدلنهم - لایشرکون»

۸. دست خدا را در تحولات تاریخ ببینیم. «وعدالله ... لیمکنن لهم - لیبدلنهم»

۹. دین اسلام، تنها دین مورد رضایت الهی است. «دینهم الذی ارتضی لهم»

۱۰. امتیت واقعی، در سایه ی حکومت دین است. «ولیبذلنهم من بعد خوفهم أمنا»

۱۱. امتیت در جامعه ی اسلامی، شرایط مناسبی برای عبادت فراهم می سازد. «أمنا یعبدوننی» (هدف نهایی وعده های الهی، عبادت خالصانه خداوند است)

۱۲. عبادت خدا، زمانی کامل است که هیچ گونه شرکی در کنار آن نباشد. «یعبدوننی لایشرکون»

۱۳. در حکومت صالحان نیز، گروهی انحراف خواهند داشت.

«وعدالله ... و من كفر بعد ذلك»

۶- ضرورت پیشگیری از فحشا

پرتوی از نور (۸) « ضرورت پیشگیری از فحشا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ

بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (نور، ۵۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! باید بردگانی که مالکشان هستید و کسانی از شما که به سن بلوغ و احتلام نرسیده اند در سه وقت از شما (برای ورود به اتاق) اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز، هنگامی که لباس از تن بیرون می کنید، و بعد از نماز عشا. این سه وقت هنگام خلوت شماست، در غیر این سه وقت بر شما و بر آنان گناهی نیست که بدون اذن وارد شوند، زیرا آنان پیوسته با شما در رفت و آمد هستند و بعضی بر

بعضی وارد می شوند. خداوند آیات خود را این گونه برای شما بیان می کند و خداوند عالم و حکیم است.

اگر بار دیگر از اول سوره نگاهی به آیات آن بکنیم خواهیم دید که سیاست پیشگیری از فحشا در آیات نهفته است، مثلاً زن و مرد زناکار را در برابر چشم دیگران تنبیه کنید، (آیه ۱) ازدواج آنان را محدود کنید، (آیه ۳) اگر بدون چهار شاهد نسبت ناروا داده شد، هشتاد تازیانه بزنید، (آیه ۴) کسانی که به همسر پیامبر تهمت زدند عذاب عظیم خواهند داشت،

ص: ۲۰

(آیه ۱۱) اگر تهمتی را شنیدید برخورد کنید، (آیه ۱۲) هرکس اشاعه فحشا را

دوست بدارد، عذاب الیم خواهد داشت، (آیه ۱۹) بدنبال گام های شیطان نروید، (آیه ۲۱) کسانی که به زنان پاکدامن تهمت بزنند عذاب عظیم خواهند داشت، (آیه ۲۳) سخن زشت از افراد خبیث است نه شما، (آیه ۲۶) سرزده به خانه دیگران نروید و اگر گفتند برگردید؛ شما نیز بپذیرید و برگردید، (آیه ۲۷ - ۲۸) مردان و زنان چشم خود را از نامحرم پیش کشند و خیره نشوند، (آیه ۳۰-۳۱) زنان زیور خود را نشان ندهند و پایکوبی نکنند و برای

ازدواج افراد بی همسر قیام کنید و از فقر نترسید، (آیه ۳۲) و در این آیه می فرماید: در ساعاتی که انسان با همسرش خلوت می کند حتی فرزندان و بردگان سرزده وارد نشوند. آری، تمام این دستورات برای جلوگیری از فحشا و بلوغ زودرس و حفظ حریم و حیا و آبرو است.

پیام هایی که از این آیه استفاده می شود:

۱. مسئول آموزش احکام دین به فرزندان، والدین مؤمن هستند. «یا ایها الذین آمنوا لیستأذنکم»
۲. محل خواب والدین باید جدا و دور از چشم فرزندان باشد، و گرنه نیاز به اذن نبود. «لیستأذنکم»
۳. کودکی و بردگی بهانه ای برای شکست حریم دیگران نیست. «لیستأذنکم»
۴. مرد باید در طول شبانه روز، ساعاتی را به همسر خود اختصاص دهد و فرزندان مزاحم نشوند. «لیستأذنکم»
۵. کودکان نیز تکلیف دارند. «لیستأذنکم ... الذین لم یبلغوا الحُلُم»

۶. اسلام دین زندگی است و از جامعیت کاملی برخوردار است. هم برای مسائل جزئی مانند ورود کودک به اتاق والدین (که در همین آیه آمده است) و هم برای مسایل مهم مانند تشکیل حکومت جهانی (که در آیه ۵۵ آمده است) طرح و برنامه دارد.

۷. کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند. «لیستأذنکم»

۸. تربیت و آموختن آداب اسلامی را قبل از بلوغ کودکان شروع کنیم. «الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ»

۹. در خانه، باید لباس کار و لباس بیرون را کنار گذاشت. «تضعون ثيابکم»

۱۰. استراحت، بعد از ظهر و در میان ساعات کار، مفید و مناسب است. «تضعون ثيابکم من الظهیره»

۱۱. تنظیم وقت، در زندگی مسلمانان باید بر اساس اوقات نماز صورت گیرد. «قبل صلاه الفجر - بعد صلاه العشاء»

۱۲. تمام احکام الهی بر اساس حکمت است. «علیم حکیم»

۷- عوامل گمراهی و انحراف

پرتوی از نور (۸) « عوامل گمراهی و انحراف

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَآؤُلَآءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ

(فرقان، ۱۷)

(و یاد کن) روزی که خداوند مشرکان و آن چه را به جای خدا می پرستیدند (در یک جا) محشور کند، پس (به معبودهای آنان) گوید: آیا شما بندگان مرا گمراه کردید، یا خودشان راه را گم کردند؟

در قرآن، عوامل گمراهی و انحراف چنین معرّفی شده اند:

۱. رفیق بد. «لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ» (۱)، دوست بد مرا گمراه کرد.

۲. هوا و هوس. «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (۲)، از هوسهای خود پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف می کند.

۳. دانشمندان منحرف. «يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بآيَدِهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (۳)، مطالبی را با دست خود می نویسند و می گویند این از طرف خداوند است.

۴. رهبران گمراه. «وَاضِلُّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ» (۴)، فرعون قوم خود را گمراه کرد.

۵. شیطان. «إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ» (۵)، قطعاً شیطان گمراه کننده آشکاری است.

۶. اکثریت گمراه. «وَإِنْ تَطَّعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (۶)، اگر از اکثریت کسانی که در زمین هستند پیروی نمائی، تو را از راه خدا منحرف می کنند.

ص: ۲۳

۱- (۳۹) فرقان، ۲۹.

۲- (۴۰) ص، ۲۶.

۳- (۴۱) بقره، ۷۹.

۴- (۴۲) طه، ۷۹.

۵- (۴۳) قصص، ۲۵.

۶- (۴۴) انعام، ۱۱۶.

۷. والدین گمراه. «أَنَا وَحَيْدَنَا آباءَنَا... وَأَنَا عَلَى آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ»^(۱)، همانا ما والدین خود را بت پرست یافتیم و به آنان اقتدا کردیم.

۸- آیین دوست یابی

پرتوی از نور (۸) « آیین دوست یابی

و يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا (فرقان، ۲۷ - ۲۹)

و روزی که ستمکار (مشرک) دو دست خود را (از روی حسرت) به دندان می گزد و می گوید: ای کاش با پیامبر همراه می شدم. ای وای بر من! کاش فلاینی را دوست خود نمی گرفتم. رفیق من بعد از آن که حق از طرف خدا برای من آمد، مرا گمراه ساخت. و شیطان هنگام امید، انسان را رها می کند.

اسلام برای دوستی و انتخاب دوست، سفارش های زیادی دارد و دوستی با افرادی را تشویق و از دوستی با افرادی نهی کرده است. برخی از عنوان های فرعی موضوع «دوست و دوستی» به این شرح است:

راه های شناخت دوست، مرزهای دوستی، ادامه ی دوستی، قطع دوستی، انگیزه های دوستی، آداب معاشرت با دوستان و حقوق دوست که برای هر یک آیات و روایات بسیاری است و ما به گوشه ای از آنها اشاره می کنیم:

* اگر در شناخت کسی به تردید افتادید، به دوستانش بنگرید که چه افرادی هستند. «فانظروا الی خُلَطَائِهِ»^(۲)

ص: ۲۴

۱- (۴۵) زخرف، ۲۳.

۲- (۴۶) بحار، ج ۷۴، ص ۱۹۷.

* تنهایی، از رفیق بد بهتر است. (۱)

* از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: بهترین دوست کیست؟ فرمود: کسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد، و گفتارش به علم شما بیفزاید و کردارش یاد قیامت را در شما زنده کند. (۲)

* حضرت علی علیه السلام فرمود: هنگامی که قدرتت از بین رفت، رفقای واقعی تو از دشمنان شناخته می شوند. (۳)

* حضرت علی علیه السلام فرمود: رفیق خوب، بهترین فامیل است. (۴)

* در حدیث آمده است: دوست را در مورد غضب، درهم، دینار و مسافرت آزمایش کن. اگر در این آزمایش ها موفق شد، دوست خوبی است. (۵)

در شعر شاعران نیز درباره ی دوست و دوستی، بسیار سخن به میان آمده و به معاشرت و همنشینی با دوستان خوب بسیار سفارش شده است؛

همنشین تو از تو به باید

تا تو را عقل و دین بیفزاید

و از همنشینی با دوستان بد مذمت شده است، رفیق بد به مار خوش خط و خالی تشبیه شده است که زهری کشنده در درون دارد؛

تا توانی می گریز از یار بد

یار بد بدتر بود از مار بد

مار بد تنها تو را بر جان زند

یار بد بر جان و بر ایمان زند

یا دوست بد به ابر تیره ای تشبیه شده است که خورشید با آن

ص: ۲۵

۱- (۴۷) بحار، ج ۷۷، ص ۱۷۳.

۲- (۴۸) تفسیر قرطبی.

۳- (۴۹) غرر الحکم.

٤-٥٠) غررالحكم.

٥-٥١) بحار، ج ٧٤، ص ١٨٠.

عظمت را می پوشاند؛

با بدان منشین که صحبت بد

گرچه پاکی تو را پلید کند

آفتاب بدین بزرگی را

پاره ای ابر ناپدید کند

۹- مهجوریت قرآن

پرتوی از نور (۸) « مهجوریت قرآن

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (فرقان، ۳۰)

پیامبر (در روز قیامت از روی شکایت) می گوید: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند.

این آیه، از گلاهی ی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله سخن می گوید و آن حضرت چون «رحمه للعالمین» است نفرین نمی کند.

امام رضا علیه السلام فرمود: دلیل آن که در نماز، قرآن می خوانیم آن است که قرآن از مهجوریت خارج شود. (۱)

در روایات آمده است: هر روز پنجاه آیه از قرآن را بخوانید و هدفتان رسیدن به آخر سوره نباشد، آرام بخوانید و دل خود را با تلاوت قرآن تکان دهید و هرگاه فتنه ها همچون شب تاریک به شما هجوم آوردند، به قرآن پناه برید. (۲)

به نظرم رسید اقرار بعضی بزرگان را درباره ی مهجوریت قرآن نقل کنم:

الف) ملا صدرا قدس سره در مقدمه تفسیر سوره واقعه می گوید: بسیار به مطالعه کتب حکما پرداختم تا آنجا که گمان کردم کسی هستم؛ ولی همین که کمی بصیرتم باز شد، خودم را از علوم واقعی خالی دیدم. در آخر عمر به فکر رفتم که به سراغ تدبیر

ص: ۲۶

۱- (۵۲) تفسیر نورالثقلین.

۲- (۵۳) تفسیر نورالثقلین.

در قرآن و روایات محمد و آل محمد علیهم السلام بروم. یقین کردم که کارم بی اساس بوده است؛ زیرا در طول عمرم به جای نور در سایه ایستاده بودم. از غصه جانم آتش گرفت و قلبم

شعله کشید، تا رحمت الهی دستم را گرفت و مرا با اسرار قرآن آشنا کرد و شروع به تفسیر و تدبیر در قرآن کردم، در خانه ی وحی را کوییدم، درها باز شد و پرده ها کنار رفت و دیدم فرشتگان به من می گویند: «سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین» (۱).

ب) فیض کاشانی قدس سره می گوید: کتاب ها و رساله ها نوشتم، تحقیقاتی کردم، ولی در هیچ یک از علوم دویایی برای دردم و آبی برای عطشم نیافتم، بر خود ترسیدم و به سوی خدا فرار و انابه کردم تا خداوند مرا از طریق تعمق در قرآن و حدیث هدایت کرد. (۲)

ج) امام خمینی قدس سره در گفتاری از اینکه تمام عمر خود را در راه قرآن صرف نکرده، تأسف می خورد و به حوزه ها و دانشگاه ها سفارش می کند که قرآن و ابعاد گوناگون آن را در همه ی رشته ها، مقصد اعلی قرار دهند تا مبادا در آخر عمر بر ایام جوانی تأسف بخورند. (۳)

«هجر»، جدایی با عمل، بدن، زبان و قلب را شامل می شود. (۴)

رابطه ی میان انسان و کتاب آسمانی، باید دائمی و در تمام زمینه ها باشد، زیرا کلمه ی «هجر» در جایی به کار می رود که

ص: ۲۷

۱- ۵۴) مقدمه تفسیر سوره واقعه.

۲- ۵۵) رساله الانصاف.

۳- ۵۶) صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۰

۴- ۵۷) مفردات راغب.

میان انسان و آن چیز رابطه باشد. (۱)

بنابراین، باید تلاشی همه جانبه داشته باشیم تا قرآن را از مهجوریت در آوریم و آن را در همه ی ابعاد زندگی، محور علمی و عملی خود قرار دهیم تا رضایت پیامبر عزیز اسلام را جلب کنیم.

نخواندن قرآن، ترجیح غیر قرآن بر قرآن، محور قرار ندادن آن، تدبّر نکردن در آن، تعلیم ندادنش به دیگران و عمل نکردن به آن، از مصادیق مهجور کردن قرآن است. حتی کسی که قرآن را فرا گیرد؛ ولی آن را کنار گذارد و به آن نگاه نکنند و تعهدی نداشته باشد، او نیز قرآن را مهجور کرده است. (۲)

۱۰- آثار و دلایل نزول تدریجی قرآن

پرتوی از نور (۸) « آثار و دلایل نزول تدریجی قرآن

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُبَيِّنَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً (فرقان، ۳۲)

و کسانی که کفر ورزیدند، (بهانه ی دیگری آورده و) گفتند: چرا (تمام) قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟ (غافل از آن که ما) این گونه (نازل کردیم) تا دل تو را به وسیله ی آن استوار کنیم و آن را به تدریج و آرامی بر تو خواندیم.

نزول تدریجی قرآن حکیمانه و دارای ادله و آثاری است از جمله:

۱. نزول تدریجی، عامل ارتباط دائمی و مستمرّ پیامبر اکرم با سرچشمه ی وحی و مایه ی استواری او در راه است و بیانگر

ص: ۲۸

۱- (۵۸) التحقيق في كلمات القرآن.

۲- (۵۹) تفسير المنير.

آن است که رسالت یک جرّقه ی مقطعی نیست.

۲. دین زنده و جامع آن است که با حوادث و مناسبت ها ارتباطی نیرومند داشته باشد، و حوادث و مناسبت ها هم به مرور پیدا می شود، نه یکدفعه.

۳. انجام همه ی اوامر و ترک همه ی نواهی یکدفعه برای عموم مردم سخت بود و سبب عُسر و حَرَج می شد.

۴. چون هر سوره و آیه ی قرآن به تنهایی یک معجزه است، بنابراین نزول تدریجی آن به منزله ی چندین معجزه ی پی در پی و هر معجزه ای مایه ی تسلی قلب پیامبر در برابر آزار دشمنان است.

۵. نزول هر آیه به مناسبت نیازی که پیدا می شود با نزول همه ی آیات بدون در نظر گرفتن نیازها، تفاوت بسیار است.

۶. بعضی آیات پاسخ سؤالات مردم است، پس اوّل باید سؤالش مطرح شود تا بعد آیه ای در پاسخ آن نازل شود.

۷. بعضی آیات و احکام برای مدّتی معین نازل شده است؛ لذا باید آیه ی ناسخ نازل شود.

۱۱- اصحاب رس

پرتوی از نور (۸) « اصحاب رس

وَ عَادًا وَ ثَمُودًا وَ أَصْحَابَ الرَّسِّ وَ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا (فرقان، ۳۸)

و قوم عاد و ثمود و اصحاب رسّ و نسل های فراوان میان آنان را (هلاک کردیم).

درباره ی قوم «رسّ» در تفاسیر مطالب زیادی آمده است از جمله: آنان همان قوم شعیب هستند، یا این که «رسّ» شهری

است در «یمامه»، یا چاهی است در «انطاکیه» یا همان «رود ارس» است و یا غیر آن؛ ولی در کتاب «عیون اخبار الرضا» می خوانیم:

امام رضا علیه السلام فرمود: شخصی از حضرت علی علیه السلام درباره ی «اصحاب رسّ» پرسید، امام علیه السلام پاسخ داد: بعد از طوفان نوح، درختی به نام «شاه درخت» غرس شد. مردم (این درخت را مقدّس می دانستند و) در اطرافش دوازده قریه بنا کردند. نام قریه ها به نام ماه های ایرانی بود: فروردین، اردیبهشت، خرداد تا دوازده ماه، آنان هر ماه در یکی از قریه ها جشن وعید می گرفتند، البتّه در قریه ی

اسفند، عیدشان با شکوه تر بود و جمعیت بیشتری جمع می شدند. در آن مراسم جشن، درختی را آتش می زدند و همین که دودش بالا می رفت به گریه و زاری می افتادند.

خداوند پیامبری برای آنان فرستاد و آنان را ارشاد کرد، او را تکذیب کردند، پیامبرشان نفرین کرد و آن درخت مقدّسشان خشک شد. پس از آن چاه عمیقی حفر کردند و پیامبر خدا را در آن افکندند و او را این گونه به شهادت رساندند. (۶۰)

و در نهج البلاغه می فرماید: «أین اصحابُ مدائن الرّس اللّذین قتلوا الانبیاء»

پرتوی از نور (۸) « پیامدهای هواپرستی

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا (فرقان، ۴۳)

آیا کسی که هوای نفس خود را معبود خود قرار داده است دیده ای؟ آیا تومی توانی وکیل او باشی (و به دفاع از او برخیزی و او را هدایت کنی)؟

* هواپرستی، سرچشمه غفلت است. «و لا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ» (۱)

* هواپرستی، سرچشمه ی کفر است. «مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ» (۲)

* هواپرستی، بدترین انحراف است. «و مَنْ أَضَلَّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ» (۳)

* هواپرستی، مانع قضاوت عادلانه است. «فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى» (۴)

* هواپرستی، سرچشمه ی فساد است. «لَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضُ» (۵)

* هواپرستی، سرچشمه ی غصه هاست.

* هواپرست، ایمان ندارد.

* هواپرست، بی عقل است.

* آغاز فتنه ها پیروی از هوسها و ایجاد بدعت ها می باشد.

* هوا و هوسها انسان را کر و کور کرده، قدرت تشخیص حق

ص: ۳۱

۱- ۶۱) کهف، ۲۸.

۲- ۶۲) طه، ۱۶.

۳- ۶۳) قصص، ۵۰.

۴- ۶۴) ص، ۲۶.

۵- ۶۵) مؤمنون، ۷۱.

را می گیرد.

* شجاع ترین مردم کسانی هستند که بر هوس های خود غلبه کنند.

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هوا را بدان سبب هوا نامیده اند که صاحب خود را فرو می افکند. (۱)

۱۳- منحرفان پست تر از حیوانات

پرتوی از نور (۸) « منحرفان پست تر از حیوانات

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (فرقان، ۴۴)

آیا گمان می کنی که اکثر کفار (حق را) می شنوند و (در آن) می اندیشند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه گمراه ترند. (زیرا ارزش انسان به تعقل و بینش اوست).

سؤال: چرا انسان منحرف از چهارپایان بدتر است؟

پاسخ: ۱. حیوان نمی تواند بیش از آنچه که هست رشد کند؛ ولی انسان می تواند و زمینه و امکانات رشد کاملاً برای او فراهم است.

۲. حیوان عقل ندارد تا خوب و بد را بفهمد و حق و باطل را بشناسد؛ ولی انسان های منحرف با داشتن عقل، آن را زیر پا گذارده و بر اساس هوس عمل می کنند.

۳. حیوان از یک غریزه ی ثابت پیروی می کند؛ ولی انسان منحرف از صدها هوی و هوس.

۴. انسان منحرف، هم کج می رود و هم انحراف خود را توجیه می کند.

ص: ۳۲

۵. حیوان، نسبت به کسی که به او محبت کند رام است، ولی انسان منحرف نسبت به خدای مهربان کفر می ورزد و بسیار ناسپاس است.

۶. حیوانات، تسبیح آگاهانه دارند؛ «کَلَّ قَد عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ»^(۱) اما انسان های منحرف، اهل ذکر و تسبیح نیستند و از خدا غافل اند.

۷. حیوانات، استحقاق عذاب الهی را ندارند، ولی انسان منحرف به قهر او گرفتار خواهد شد.

در حدیث آمد که یزدان مجید

خلق عالم را سه گونه آفرید

یک گروه را جمله عقل و علم و جود

او فرشته است و نداند جز سجود

یک گروه دیگر از دانش تهی

همچو حیوان از علف در فریبهی

این سوم هست آدمی زاد بشر

نیم از او فرشته و نیمی ز خر

آن دو قوم آسوده از جنگ و خراب

وین بشر با دو مخالف در عذاب

یک گروه مستغرق مطلق شده

همچو عیسی با ملک ملحق شده

نقش آدم لیک معنا جبرئیل

رسته از خشم و هوا و قال و قیل

قسم دیگر با خران ملحق شدند

خشم محض و شهوت مطلق شدند(۱)

آدمی زاده طرفه معجونی است

کز فرشته سرشته وز حیوان

گر رود سوی این، شود به از این

ور رود سوی آن، شود پس از آن

۱۴- علل سکوت امیرمؤمنان

پرتوی از نور (۸) « علل سکوت امیرمؤمنان

قَالَ فَعَلَّتْهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الصَّالِّينَ * فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ

(شعراء، ۲۰ - ۲۱)

(موسی) گفت: آن (قتل) را زمانی انجام دادم که از سرگشتگان بودم. و چون از شما ترسیدم از نزد شما گریختم، سپس پروردگارم به من حکمت (و دانش) بخشید و مرا از پیامبران قرار داد.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسیدند: چرا بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حق خود را با شمشیر نگرفتید، و چرا همان گونه که با طلحه و زبیر و معاویه جنگ کردید با خلفای پیش از خود جنگ نکردید؟ حضرت فرمود: گاهی سکوت لازم است. مگر ابراهیم به مردم نفرمود: من از شما کناره می گیرم: «و اعتزلکم و ما تدعون من دون الله» (۲) مگر هارون نفرمود: «إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعَفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي» (۳)

مردم مرا به ضعف کشاندند و نزدیک بود مرا بکشند؟ مگر یوسف نفرمود: «رَبِّ السِّجْنِ

ص: ۳۴

۱- (۶۸) مولوی.

۲- (۶۹) مریم، ۴۸.

۳- (۷۰) اعراف، ۱۵۰.

أَحَبَّ إِلَيَّ» (۱) پروردگارا! زندان برای من بهتر از استجاب تقاضای آنهاست؟ مگر پیامبر اکرم در غار نرفت و من جای او نخوایدم؟ مگر موسی نفرمود: «فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ» همین که ترسیدم فرار کردم، و مگر حضرت لوطعلیه السلام در برابر تقاضای گنهکاران نفرمود: «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوَى إِلَيَّ رُكْنٌ شَدِيدٌ» (۲) ای کاش قدرتی

داشتم (تا شما را از این عمل ننگین باز می داشتم) و یا به جایگاه محکم و امن پناه می بردم (و از شرّ شما درامان بودم). (۳) بنابراین سایر اولیای خدا نیز گاهی در شرایطی مجبور به سکوت و انزوا می شدند.

۱۵- شعر و شاعران

پرتوی از نور (۸) « شعر و شاعران

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ أَلَمْ تَرَأَهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهيمُونَ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ

(شعراء، ۲۲۴ - ۲۲۶)

(پیامبر اسلام شاعر نیست، زیرا) شاعران را گمراهان پیروی می کنند. آیا ندیدی که آنان در هر وادی سرگشته می روند؟ و مطالبی می گویند که به آن عمل نمی کنند؟

مطالبی درباره ی شعر و شاعران به مناسبت آیات آخر این سوره بیان می کنیم:

* از تفسیر بیضاوی نقل شده: چون اشعار جاهلیت بیشتر پیرامون خیالات، توصیف زنان زیبا، معاشقه و افتخارات بیهوده یا بدگویی و تعرض به ناموس دیگران بوده این آیات

ص: ۳۵

۱- (۷۱) یوسف، ۳۳.

۲- (۷۲) هود، ۸۳.

۳- (۷۳) تفسیر نورالثقلین.

نازل شده است. «والشعراء يتبعهم الغاؤون»

* تفاوت میان حکیم و شاعر آن است که حکیم ابتدا معانی را در نظر می گیرد و بعد الفاظ را به کار می برد؛ ولی شاعر ابتدا قالب و الفاظ را در نظر می گیرد، سپس معانی را بیان می کند. (۱)

* در روایات، شعر خوبی که از حق طرفداری کند، از جهاد با سر نیزه برتر شمرده شده و مورد ستایش قرار گرفته است. (۲)

* رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بعضی از بیان ها همچون سحر و بعضی از شعرها حکمت است. (۳)

* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شاعر متعهدی به نام «حَسَّان» فرمود: روح القدس با توست. (۴)

* پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از سفرها، «حَسَّان» را فراخواند که شعر بخواند. او می خواند و حضرت گوش می دادند. حضرت دستور دادند: جایگاه مخصوصی برای «حَسَّان» در مسجد باشد. (۵)

* امام صادق علیه السلام به یاران خود می فرمود: کودکان خود را با شعر «عَبْدِي» آشنا کنید که او شاعری خوب و مکتبی است. (۶)

* امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس برای حَقَّانیت ما یک بیت شعر بسراید، خداوند در بهشت خانه ای به او عطا می کند. (۷)

* امام صادق علیه السلام فرمود: خواندن شعر برای روزه دار و کسی که در حال احرام یا در منطقه حَرَم است، مکروه می باشد و نیز

ص: ۳۶

۱- (۷۴) لغت نامه دهخدا.

۲- (۷۵) تفسیر کنزالدقائق.

۳- (۷۶) تفسیر المنیر.

۴- (۷۷) تفسیر کنزالدقائق.

۵- (۷۸) تفسیر روح المعانی.

۶- (۷۹) تفسیر کنزالدقائق.

۷- (۸۰) بحار، ج ۷۹، ص ۲۹۱.

خواندن شعر در روز یا شب جمعه کراهت دارد. (۱)

* در روایات می خوانیم: راست ترین شعر در زمان جاهلیت این بوده است:

الا کلّ شیء ما خلا الله باطل

و کلّ نعیم لا محاله زائل (۲)

بدانید که هر چیز، جز خداوند باطل است و هر نعمتی دیر یا زود از بین خواهد رفت.

* در روایت آمده است: همین که آیه ی «والشعراء یتبعهم...» نازل شد، گروهی از شاعران مسلمان نگران خود شده، نزد پیامبر اکرم آمدند. حضرت فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَجَاهِدٌ بَسِيفَةٍ وَ لِسَانَةٍ» یعنی مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می کند. (۳)

۱۶- سیمای زیانکاران

پرتوی از نور (۸) « سیمای زیانکاران

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيْنًا لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ (نمل، ۴ - ۵)

همانا کسانی که به آخرت ایمان ندارند، کارهای (زشت)شان را زیبا جلوه می دهیم تا (همچنان) سرگشته باشند. آنان کسانی هستند که برای ایشان عذاب بد (و دردناک) خواهد بود و آنان در قیامت زیانکارترین افرادند.

زیانکاران چند نوع هستند:

الف) خاسر، کسی که عمرش تباه شده است. «قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ

ص: ۳۷

۱- (۸۱) وسائل، ج ۷، ص ۱۲۱.

۲- (۸۲) تفسیر مواهب العلیه.

۳- (۸۳) تفسیر منهج الصادقین.

ب) در حال خسران، کسی که اهل ایمان و عمل صالح نباشد. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا» (۲)

ج) خسران مبین، کسی که با تزلزل بندگی خدا می کند. «إِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (۳)

د) اخسرون، کسانی که منحرف اند و گمان می کنند راه درست می روند. «الَّذِينَ ضَلَّ سَبِيلَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (۴)

در روایات می خوانیم: اخسرون، کسانی هستند که زکات نمی پردازند، بر گناه اصرار می ورزند، قدرت حق گفتن دارند؛ ولی نمی گویند، ظالم ترین افرادند.

با ضایع کردن دین، دنیای خود را اصلاح می کنند.

۱۷- معجزات حضرت موسی

پرتوی از نور (۸) « معجزات حضرت موسی

وَأَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

(نمل، ۱۲)

و دستت را در گریبان کن؛ سفید و درخشان خارج شود، بی آنکه عیبی در آن باشد؛ (این معجزه) در زمره ی معجزات نه گانه به سوی فرعون و قومش (آمده است) که آنان قومی فاسق هستند.

مراد از معجزات نه گانه، معجزاتی است که موسی علیه السلام در

ص: ۳۸

۱- ۱۴) زمره، ۱۵.

۲- ۱۵) عصر، ۲.

۳- ۱۶) حج، ۱۱.

۴- ۱۷) کهف، ۱۰۴.

برابر فرعون آورده و گرنه حضرت موسی معجزات بیشتری داشته است؛ ضمناً هر معجزه ای را می توان دو معجزه به حساب آورد؛ زیرا اژدها شدن عصا یک معجزه است و برگشتن اژدها به عصا، معجزه ای دیگر، لکن قرآن یک طرف را معجزه دانسته است؛ لیکن معجزات نه گانه موسی عبارت است از:

۱. «ید بیضاء» (درخشیدن دست).

۲. اژدها شدن عصا.

۳. طوفان کوبنده برای دشمنان.

۴. «جراد» (تسلط ملخ بر زراعت ها و درختان).

۵. «قُمَل» (نوعی آفت نباتی که غلات را نابود می کرد).

۶. «ضفادع» (هجوم قورباغه ها از رود نیل به زندگی مردم).

۷. «دَم» (ابتلای تمامی مردم به خون دماغ؛ یا به رنگ خون در آمدن آب رود نیل). (۱)

۸. قحطی و خشکسالی. (۲)

۹. شکافته شدن دریا. (۳)

معجزات دیگر موسی علیه السلام عبارتند از: فوران دوازده چشمه از سنگ (۴) نزول مَنّ وسلوی (۵) (شیره ی مخصوص و لذیذ درختان - مانند گزانگبین - و مرغان مخصوص، شیهه کبوتر).

ص: ۳۹

۱- ۸۸) اعراف، ۱۳۳.

۲- ۸۹) اعراف، ۱۳۰.

۳- ۹۰) بقره، ۵۰.

۴- ۹۱) بقره، ۶۰.

۵- ۹۲) بقره، ۵۷.

۱۸- تعلیمات ویژه الهی

پرتوی از نور (۸) « تعلیمات ویژه الهی

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ (نمل، ۱۵)

و به راستی به داوود و سلیمان دانشی (ویژه) عطا کردیم، و آن دو گفتند: ستایش، مخصوص خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید.

خداوند علوم خاصی را به افراد خاصی داده و در قرآن از آنها یاد کرده است از جمله:

۱. آدم، علوم همه ی اشیا. «و عِلْمَ آدَمَ الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا» (۱)

۲. خضر، علوم باطنی و تأویل. (تا موسی شاگردش شود) «هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَيَّ أَنْ تَعَلِّمَنِي...» (۲)

۳. یوسف، علم تعبیر خواب. «عَلَّمَنِي رَبِّي» (۳)

۴. داوود، علم زره سازی. «و عَلَّمَنَا صَنْعَةَ لَبُوسٍ» (۴)

۵. سلیمان، علم زبان پرندگان. «عَلَّمَنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ» (۵)

۶. معاون سلیمان، علمی که با آن تخت سلطنتی را از کشوری به کشور دیگر می آورد. «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» (۶)

۷. طالوت، علوم نظامی. «و زَادَهُ بَسْطَهُ فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (۷)

۸. رسول اکرم و سایر انبیا، علوم غیب. «فَلَا يَظْهَرُ عَلَيَّ غَيْبُهُ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ» (۸)

ص: ۴۰

۱- (۹۳) بقره، ۳۱.

۲- (۹۴) کهف، ۶۶.

۳- (۹۵) یوسف، ۳۷.

۴- (۹۶) انبیاء، ۸۰.

۵- (۹۷) نمل، ۱۶.

۶- (۹۸) نمل، ۴۰.

٧-٩٩) بقره، ٢٤٧.

٨-١٠٠) جن، ٢٦-٢٧.

پرتوی از نور (۸) « آداب مدیریت اسلامی

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (نمل، ۱۹)

پس (سلیمان) از سخن این مورچه با تبسمی خندان شد و گفت: پروردگارا! به من الهام کن (و توفیق ده) که نعمتی که به من و به والدینم بخشیده ای شکر کنم و عمل صالحی که آن را می پسندی انجام دهم و در سایه ی رحمت خود، مرا در زمره ی بندگان شایسته ات وارد کن.

۱. یکی از اصول و شرایط رهبری و مدیریت، سعه ی صدر است. حضرت سلیمان جمله ی «لایشعرون» را آن هم از مورچه ای می شنود، ولی به روی خود نمی آورد و لبخند می زند. «فتبسم»

۲. انتقاد و حرف حق را از هر کس بشنوید و از آن استقبال کنید. (سلیمان سخن مورچه را پسندید) «فتبسم» انتقادپذیری، یک ارزش است.

۳. خداوند اولیای خود را تحت تربیت مخصوص خود قرار می دهد. «و هم لایشعرون - فتبسم» خداوند، سلیمان را با آن مقام و سلطنتش گرفتار حرف یک مورچه می کند تا بدین وسیله در وجود او تعادل برقرار کند.

۴. زمانی باید شاد و خندان باشیم که حتی مورچه ها به عدالت ما امیدوار باشند. «و هم لایشعرون - فتبسم»

۵. خنده ی انبیا، تبسم است نه قهقهه. سلیمان در حالی که خنده اش گرفته بود، تبسم کرد. «تبسم ضاحکا»

۶. سلیمان سخنان مورچه را فهمید و به زیردستان خود توجه کرد. «من قولها»

۷. دعا، مخصوص هنگام اضطراب نیست؛ انبیا در اوج عظمت و قدرت دعا می کردند. «رب»

۸. توفیق شکرگزاری را از خدا بخواهیم. «رب اوزعنی أن اشکر»

۹. انسان در برابر نعمت هایی که تاکنون به او رسیده باید شکر کند و در برابر مسئولیت آینده باید به فکر عمل صالح و جلب رضای خداوند و ملحق شدن به نیکان باشد. «اشکر - اعمل صالحا...»

۱۰. فرزندان، هم باید در مقابل نعمت هایی که خداوند به آنان داده شکر کنند و هم در مقابل نعمت هایی که به والدین آنان داده است. «علی و علی والدی»

۱۱. شکر خدا تنها با زبان نیست، عمل صالح و استفاده ی صحیح از نعمت ها نیز شکر الهی است. «اشکر... اعمل صالحا»

۱۲. سلیمان با آن که لشکریان فراوان و حاکمیت قوی دارد و زبان حیوانات را نیز می داند، باز به فکر عمل صالح است نه به دنبال لذت و توسعه ی قدرت و افتخار. «اعمل صالحا»

۱۳. دعا و تلاش حاکمان باید برای انجام کار خوب باشد. «اعمل صالحا»

۱۴. کار و تلاش، به شرطی نیک است که خداپسند باشد. «صالحاً ترضاه»

۱۵. کار نیکی ارزش دارد که رضای خدا را جلب کند، نه فقط رضای مردم را. «صالحاً ترضاه»

۱۶. عالی ترین مقصد در حکومت صالحان، رضای خداوند است. «ترضاه»

۱۷. انبیا نیز به امداد الهی نیاز دارند. «اوزعنی... ادخلنی»

۱۸. زندگی در جامعه صالح ارزش است، نه زندگی در میان مردم ناصالح، آن هم به خاطر رفاه یا درآمد و لذت. «ادخلنی... فی عبادک الصالحین»

۱۹. برخورداری از امکانات، و قدرت امروز خود را نشانه ی رسیدن به رحمت الهی ندانید و برای رشد و تعالی خود دعا کنید. «و ادخلنی»

۲۰. امکانات انسان، نتیجه ی کار او نیست؛ بلکه از رحمت الهی سرچشمه می گیرد. «برحمتک»

۲۱. هر کس، در هر شرایطی باید به رحمت الهی متوسل شود، حتی پیامبران. «برحمتک»

۲۲. تکروی، ممنوع. «و ادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین»

پرتوی از نور (۸) « فضایل امیرمؤمنان و اهل بیت

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي
ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (نمل، ۴۰)

کسی (به نام آصف بن برخیا) که به بخشی از کتاب (الهی) آگاهی داشت (سلیمان) گفت: من آن (تخت) را قبل از آن که پلک چشمت بهم بخورد نزد تو می آورم. (سلیمان پذیرفت و او تخت را آورد.) همین که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود مستقر دید، (به جای غرور و تکبر) گفت: این (توانایی وزیر من که مقداری از علم کتاب و اسم اعظم را می داند)، از لطف پروردگار من است، تا مرا (با این نعمت ها) بیازماید که آیا شکر گزارم یا

کفران می کنم؟ و هر کس شکر کند، قطعاً به سود خویش شکر ورزیده و هر کس کفران نماید (به ضرر خویش گام نهاده، زیرا) پروردگار من (از شکر مردم) بی نیاز و کریم است. (بی نیازی و کرامت، برای خدا ذاتی است و هرگز وابسته به شکر یا کفران کسی نیست).

در آیه ی مورد بحث می فرماید: کسی که بخشی از علم کتاب را داشت، گفت: ای سلیمان! قبل از به هم زدن یک چشم، من تخت ملکه ی سبأ را از کشورش در این جا حاضر می کنم؛ اما در آیه ی آخر سوره ی رعد، خداوند به پیامبرش می فرماید: کفار، رسالت تو را قبول ندارند، به آنان بگو کافی است که خداوند و کسی که تمام علم

کتاب را دارد، میان من و شما گواه باشد. در روایات می خوانیم: مراد از کسی که تمام علم کتاب را

دارد، علی بن ابی طالب علیهما السلام است. اگر کسی که بخشی از علم کتاب را می داند تخت بلقیس را در یک آن حاضر می کند، پس کسی که تمام علم کتاب را می داند، در تمام عمر چه قدرتی دارد؟

امام صادق علیه السلام می فرماید: آگاهی کسی که بخشی از علم را داشت، نسبت به علم علی علیه السلام، مثل مقدار آبی است که بر بال یک مگس باشد نسبت به دریا. (۱)

در روایات می خوانیم: امام صادق علیه السلام به سینه ی مبارکش اشاره کرد و فرمود: «و عندنا والله علم الكتاب كله» به خدا سوگند تمام علم کتاب نزد ما موجود است. (۲)

در روایات بسیاری می خوانیم: امامان معصوم علیهم السلام خارج از قید زمان و مکان در مناطقی حاضر می شدند، مثلاً:

امام جواد علیه السلام، در لحظه ی شهادت پدرش از مدینه به طوس رفت.

امام کاظم علیه السلام، از زندان بغداد بیرون آمد و در مدینه حاضر شد.

امام سجاد علیه السلام، در زمان اسارت، به کربلا رفت و بدن پدرش امام حسین علیه السلام، را دفن کرد.

امام حسین علیه السلام، قبل از شهادت، قبضه ی خاکی از کربلا برداشت و در مدینه به ام السّلمه داد. (۳) بنابراین طی الارض و حرکت برق آسا برای امامان سابقه دارد.

ص: ۴۵

۱- ۱۰۱) تفسیر نورالثقلین.

۲- ۱۰۲) تفسیر نورالثقلین.

۳- ۱۰۳) تفسیر اطبیب البیان.

پرتوی از نور (۸) « ریشه ایمان به خدا

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ قَلِيلًا مَّا تَدَّكُرُونَ

(نمل، ۶۲)

کیست که هرگاه در مانده ای او را بخواند، اجابت نماید و بدی و ناخوشی را برطرف کند، و شما را جانشینان (خود در) زمین قرار دهد؟ آیا با خداوند معبودی است؟ چه کم پند می پذیرید.

ریشه ی ایمان به خدا، عقل و فطرت است؛ لیکن مادیون می گویند: ریشه ی ایمان به خدا ترس است. یعنی انسان چون خود را در برابر حوادث عاجز می بیند، هنگام بروز حادثه ای تلخ، قدرتی را در ذهن خود تصوّر می کند و به آن پناه می برد.

مادیون با این محاسبه، ایمان را زاییده ی ترس می دانند؛ اما اشتباه آنان این است که تفاوت رفتن به سوی خدا را با اصل ایمان به خدا نمی فهمند؛ مثلاً ما هنگام دیدن سگ و احساس خطر، سراغ سنگ می رویم؛ اما آیا می توان گفت: پیدایش سنگ به خاطر سگ است؟ همچنین ما هنگام اضطراب و ترس رو به خدا می رویم، آیا می توان گفت: اصل ایمان به خدا، زاییده ی ترس است؟

علاوه بر آنکه اگر سرچشمه ی ایمان ترس باشد، باید هر کس ترسو تر است، مؤمن تر باشد. در حالی که مؤمنان واقعی، شجاع ترین افراد زمان خود بوده اند و باید انسان در لحظاتی که احساس ترس ندارد، ایمانی هم نداشته باشد، در حالی که ما در لحظه هایی که ترس نداریم خدا را به دلیل عقل و فطرت

قبول داریم. در حقیقت ترس و اضطراب، پرده‌ی غفلت را کنار می‌زند و ما را متوجه خدا می‌کند، لذا منکران خدا هرگاه در هواپیما یا کشتی نشسته باشند و خبر سقوط یا غرق شدن را بشنوند و یقین کنند که هیچ قدرتی به فریادشان نمی‌رسد؛ از عمق جان به یک قدرت نجاتبخش امید دارند. آنها در آن هنگام به یک نقطه و به یک قدرت غیبی دل می‌بندند که آن نقطه، همان خدای متعال است.

۲۲- شبهه زیارت پیامبر

پرتوی از نور (۸) « شبهه زیارت پیامبر

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (نمل، ۸۰)

بی شک، نمی‌توانی دعوت خود را به گوش مردگان برسانی، و نمی‌توانی کران را آنگاه که روی برمی‌گردانند و پشت می‌کنند، فراخوانی (و حقیقت را به آنان بفهمانی).

در تفسیر نمونه (۱) می‌خوانیم: فرقه‌ی وهابیان، آیه‌ی «إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ» را دستاویز تفکر انحرافی خود قرار داده، می‌گویند: پیامبر اکرم از دنیا رفته و هیچ سخنی را نمی‌شنود، بنابراین معنا ندارد که ما پیامبر را زیارت کنیم و خطاب به او مطالبی را بیان کنیم.

پاسخ فرقه‌ی مذکور این است که آیه در مقام یک تشبیه اجمالی است؛ نظیر تشبیه قلب سنگدلان به سنگ در تأثیر ناپذیری، «قلوبکم ... کالحجاره» (۲) نه این که قلب آنان در همه چیز مثل سنگ است؛ زیرا قرآن، حیات برزخی را درباره‌ی

ص: ۴۷

۱- (۱۰۴) تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۳.

۲- (۱۰۵) بقره، ۷۴.

شهدا پذیرفته و نسبت به آن، روایاتی از شیعه و سنی نقل شده است:

۱. محمد بن عبدالوهاب در کتاب الهدیه السنیة، ص ۴۱، می گوید: پیامبر بعد از وفاتش دارای حیات برزخی، برتر از حیات شهداست و سلام کسانی را که به او سلام می دهند می شنود.

۲. روایات فراوانی در کتب شیعه و اهل سنت، در این زمینه آمده است که پیامبر و امامان علیهم السلام سخن کسانی را که بر آنها از دور و نزدیک، سلام می دهند می شنوند و پاسخ می دهند و حتی اعمال مردم بر آنان عرضه می شود. (۱)

۳. ما خود شاهد هزاران نمونه از توسل‌های هستیم که عین سخن و درخواست افراد متوسل، لباس عمل پوشیده است.

۴. در صحیح بخاری می خوانیم: رسول خدا صلی الله علیه و آله با کفار هلاک شده ی جنگ بدر گفتگو می کرد و همین که مورد سؤال عمر قرار گرفت، فرمود: «والذی نفس محمد بیده ما انتم باسمع» به خدایی که جانم در دست اوست، شما از آنان شنواتر نیستید. (۲)

۵. حضرت علی علیه السلام در پایان جنگ جمل فرمود: لاشه ی کعب بن سور را بنشانند، سپس به او که هلاک شده بود فرمود: وای بر تو که علم و دانش، تو را سودی نبخشید و شیطان تو را گمراه کرد و به دوزخ فرستاد! (۳)

ص: ۴۸

۱- ۱۰۶) کشف الارتیاب، ص ۱۰۹.

۲- ۱۰۷) صحیح بخاری، ج ۵، ص ۹۷.

۳- ۱۰۸) شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۴۸

پرتوی از نور (۸) « دابّه الارض

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (نمل، ۸۲)

و هرگاه سخن (و وعده ی عذاب الهی) بر مردم حتمی شود، جنبنده ای را برای آنان از زمین بیرون آوریم تا با مردم سخن گوید، که همانا مردم آیات ما را باور نمی کردند.

در آیه، قرآینی است که نشان می دهد، این دابّه موجود بسیار مهمی است، زیرا:

۱. در آستانه ی قهر الهی ظاهر می شود. «اذا وقع القول عليهم» اقتضای سخنان مهم آن است که از سرچشمه های مهم صادر شود.

۲. به نحو استثنایی پیدا می شود. «اخرجنا... من الارض»

۳. حرف می زند، «تكلّمهم» قضاوت می کند و از آینده مردم خبر می دهد. «انّ الناس كانوا...»

۴. حرف او همچون صوراسرافیل، آخرین سخن است. «اذا وقع القول»

۵. کلمه ی دابّه، با تنوین، نشانه ی عظمت و بزرگی این موجود است.

۶. آیه ی بعد، مربوط به رجعت است که اولیای خدا قبل از قیامت زنده می شوند.

۷. آیه نمی گوید: «بآیات الله» بلکه می گوید: «بآیاتنا» گویا نشانه های او همان نشانه های خداوند است.

جمع بندی میان این قرائن که در ظاهر آیه است و روایات

متعددی که در تفاسیر آمده است، ما را به این حقیقت می‌رساند که بگوییم: مراد از «دابه من الارض»، حضرت علی علیه السلام است. اوست که لایق است حرف آخر را بگوید و بر پیشانی بعضی، مهر عدم ایمان بزند و از آینده شوم گمراهان خبر دهد.

سؤال: آیا کلمه ی دابه، مخصوص جنبنده های غیر انسانی نیست؟

پاسخ: خیر، در قرآن بارها کلمه ی دابه به کار رفته که شامل انسان نیز می‌شود، نظیر «و ما من دابه فی الارض الا علی الله رزقها» (۱).

سؤال: آیا اطلاق کلمه ی جنبنده بر حضرت علی علیه السلام توهین به آن حضرت نیست؟

پاسخ: هرگز؛ همان گونه که اطلاق کلمه ی «بشر» بر پیامبر توهین نیست و اطلاق کلمات «شیء، عالم، نور و وجود» بر خداوند جایز است؛ لیکن فرق است میان علم، نور و وجود خداوند با سایر افراد.

ص: ۵۰

۲۴- سیمای قیامت در قرآن

پرتوی از نور (۸) « سیمای قیامت در قرآن

يَوْمَ تَرُؤْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُيَّكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسَيَّكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (حج، ۲)

روزی که آن (زلزله ی بزرگ) را مشاهده کنید (چنان ترس و وحشت وجودتان را فرا خواهد گرفت که) هر شیر دهنده ای، آن را که شیر می دهد فراموش کند و هر بارداری جنین خود را سقط کند، و مردم را مست می بینی، ولی مست نیستند، بلکه عذاب خداوند شدید است.

قرآن در معرفی سیمای قیامت، تعبیرات تکان دهنده ای دارد، از جمله:

* «يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا» (۱) روزی که کودکان را پیر می کند.

* «يَوْمًا عَبَّوْسًا قَمَطِرًا» (۲) روزی که عبوس و سخت است.

* «يَوْمًا كَانَ شَرْهُ مُسْتَطِيرًا» (۳) روزی که عذابش گسترده است.

ص: ۵۲

۱- (۱۱۰) مزمل، ۱۷.

۲- (۱۱۱) انسان، ۱۰.

۳- (۱۱۲) انسان، ۷.

پرتوی از نور (۸) « سیمای حج

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مِآ رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْبِائِسَ الْفَقِيرَ
(حج، ۲۸)

(مردم از هر منطقه ای به حج خواهند آمد) تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند و در ایام مخصوص حج خدا را یاد کنند، به خاطر چهار پایان زبان بسته ای که رزقشان شده؛ پس از گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر را اطعام کنید.

* حج، یک بسیج عمومی و مانور موحدان است.

* حج، چهره ی زیبای عشق و تعبد است.

* حج، زنده نگاه داشتن خاطرات و خدمات پیامبرانی همچون ابراهیم و اسماعیل و محمد است. (درود خداوند بر همه ی آنان باد)

* حج، مرکز اجتماعات بین المللی مسلمانان است.

* حج، مرکز ارتباط و تبادل اخبار و اطلاعات جهان اسلام است.

* حج، پشتوانه ی اقتصاد مسلمانان و ایجاد اشتغال برای ده ها هزار مسلمان است.

* حج، بهترین فرصت و زمان برای تبلیغات اسلامی، افشاگری توطئه ها، حمایت از مظلومان، برائت از کفار و ایجاد رعب و وحشت در دل آنان است.

* حج، بهترین فرصت و زمان برای توبه، یاد مرگ و معاد، از همه چیز بریدن و صحرای عرفات و مشعر را دیدن

و در انتظار مهدی موعود علیه السلام نشستن است.

۲۶- مصرف هدفمند

پرتوی از نور (۸) « مصرف هدفمند

وَالْيَدِٰنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللّٰهِ لَكُمْ فِيْهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوْا اِسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهَا صَوَآفَّ فَاِذَا وَجِبَتْ جُنُوْبُهَا فَكُلُوْا مِنْهَا وَاَطْعِمُوْا الْقٰنِعِ وَاَلْمُعْتَرَّ كَذٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ (حج، ۳۶)

و (قربانی کردن) شترهای چاق را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم، در آنها برای شما خیر است، پس (هنگام قربانی) نام خدا را بر شتران در حالی که ایستاده اند ببرید، پس چون به پهلو افتادند (و جان دادند)، از (گوشت) آنها بخورید و به فقیر قانع و فقیری که روی سؤال ندارد اطعام کنید، بدین گونه حیوانات قربانی را برای شما (رام و) مسخر کردیم، تا شاید شکرگزاری کنید.

در اسلام، هر جا مسأله خوردن مطرح است، در کنارش وظیفه دیگری نیز ذکر شده است:

«كُلُوا... وَلَا تَسْرِفُوا» (۱) بخورید ولی اسراف نکنید.

«كُلُوا... وَاَطْعِمُوا» (۲) بخورید و به دیگران بخورانید.

«كُلُوا... وَاَعْلَمُوا» (۳) بخورید و عمل صالح انجام دهید.

«كُلُوا... وَاشْكُرُوا» (۴) بخورید و سپاس گزارید.

ص: ۵۴

۱- (۱۱۳) اعراف، ۳۱.

۲- (۱۱۴) حج، ۳۶.

۳- (۱۱۵) مؤمنون، ۵۱.

۴- (۱۱۶) سبأ، ۱۵.

پرتوی از نور (۸) « قدرت در دست صالحان و فاسدان

أَلَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج، ۴۱)

کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز بر پا می دارند و زکات می دهند و (دیگران را) به خوبی ها دعوت می کنند و از بدی ها باز می دارند؛ و پایان همه ی امور برای خداست.

اگر قدرت و امکانات در دست افراد صالح باشد، بهره برداری صحیح می کنند و اگر در اختیار ناهلان قرار گیرد سوء استفاده می کنند. بنابراین دنیا و قدرت، برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله ی بدبختی است و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است: اگر مؤمنان به قدرت برسند، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف می روند، ولی انسان های منحرف و ناهل، اگر قدرتمند شوند کارشان طغیان است، «إِنَّ الْإِنْسَانَ

لَيْطَغِي» (۱) و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می دارند، «وَإِذَا تَوَلَّى سَعِي فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» (۲) و عاقبت، مردم را به دوزخ می کشانند. «إِنَّهُمْ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (۳)

ص: ۵۵

۱- (۱۱۷) علق، ۶.

۲- (۱۱۸) بقره، ۲۰۵.

۳- (۱۱۹) قصص، ۴۱.

پرتوی از نور (۸) « مردم و وسوسه های شیطان

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (حج، ۵۲)

و پیش از تو هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم، مگر این که هر گاه آرزو می کرد (و برای پیشبرد اهداف الهی خود طرحی می ریخت) شیطان در (طرح و) آرزوی او (مسائلی را) القا می کرد، لکن خداوند هر چه را که شیطان القا می کرد از بین می برد، سپس آیات خود را استحکام می بخشید و خداوند آگاه و حکیم است.

مردم در برابر وسوسه های شیطان چند دسته اند:

۱. افرادی وسوسه ی شیطان در روحشان کارساز است. «يُوسُوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ» (۱)

۲. بعضی ها شیطان با آنان تماس می گیرد، ولی فوراً متوجه می شوند و او را طرد می کنند. «مَسَّيْهِمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا» (۲)

۳. گروهی، شیطان همیشه با آنهاست. «فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» (۳)

پیامبران الهی جزو هیچ یک از این سه دسته نیستند، آنان معصومند و شیطان نه قرین آنهاست، نه در روحشان وسوسه می کند و نه با آنان تماس می گیرد، شیطان در طرح و برنامه و آرزوی آنان القائاتی دارد و ناگفته پیداست که حساب طرح پیامبران و برنامه ها و اهدافشان، از حساب شخصی آنان جداست.

ص: ۵۶

۱- (۱۲۰) ناس، ۵.

۲- (۱۲۱) اعراف، ۲۰۱.

۳- (۱۲۲) زخرف، ۳۶.

۲۹- تنوع برنامه های سعادت بخش

پرتوی از نور (۸) « تنوع برنامه های سعادت بخش

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (حج، ۷۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید، باشد که رستگار شوید.

برای سعادت انسان دو برنامه مطرح شده و رستگاری او در انجام هر دو نوع عمل است:

الف) برنامه های ثابت مانند رکوع و سجود و نماز و عبادت های دیگر.

ب) برنامه های متغیر و تابع زمان و مکان که در هر زمان کار خیر مصداق خاصی دارد. «آمنوا ارکعوا... وافعلوا الخیر»

۳۰- رستگاری و کشاورزی

پرتوی از نور (۸) « رستگاری و کشاورزی

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (مؤمنون، ۱ - ۲)

قطعاً مؤمنان رستگار شدند. همان کسانی که در نمازشان خشوع دارند.

کلمه ی «فَلاح» به معنای رستن است، شاید دلیل اینکه به کشاورزی، «فَلاح» می گویند آن باشد که وسیله ی رستن دانه را فراهم می کند. دانه که در خاک قرار می گیرد با سه عمل خود را نجات می دهد و به فضای باز می رسد: اول آنکه ریشه ی خود را به عمق زمین بند می کند. دوم این که مواد غذایی زمین را جذب می کند. سوم آنکه خاک های مزاحم را دفع می کند.

آری، انسان هم برای رهایی خود و رسیدن به فضای باز توحید و نجات از تاریکی های مادّیات و هوسها و طاغوت ها باید مثل دانه همان سه عمل را انجام دهد: اوّل ریشه ی عقاید خود را از طریق استدلال محکم کند. دوم از امکانات خدادادی آنچه را برای تکامل و رشد معنوی اوست جذب کند. سوم تمام دشمنان و مزاحمان را کنار زند و هر معبودی جز خدا را با کلمه «لا اله» دفع کند تا به فضای باز توحیدی برسد.

۳۱- اهمیت زکات

پرتوی از نور (۸) « اهمیت زکات

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (مؤمنون، ۴)

و همان کسانی که زکات می پردازند.

* زکات، یکی از پنج چیزی است که بنای اسلام بر آن استوار است.

* در قرآن ۳۲ بار کلمه «زکات» و ۳۲ بار واژه «بَرَک» آمده، گویا زکات مساوی با برکت است.

* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افرادی را که زکات نمی دادند، از مسجد بیرون کرد.

* حضرت مهدی علیه السلام در انقلاب بزرگ خود، با تارکین زکات می جنگد.

* کسی که زکات ندهد، هنگام مرگش به او گفته می شود: یهودی بمیر یا مسیحی.

* تارک زکات در لحظه ی مرگ از خدا می خواهد که او را به دنیا بازگرداند تا کار نیک انجام دهد، اما مهلت او پایان یافته است.

* امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردم زکات بدهند، هیچ فقیری در زمین باقی نمی ماند.

۳۲- اهمیت امانت و امانتداری

پرتوی از نور (۸) « اهمیت امانت و امانتداری

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (مؤمنون، ۸)

و(مؤمنان رستگار) کسانی هستند که امانت ها و پیمان های خود را رعایت می کنند.

* به نماز و روزه و حج مردم ننگرید، به صداقت و امانتداری آنان بنگرید. (۱)

* پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در آخرین لحظه های عمر خود به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ادّ الامانه الى التبر و الفاجر فيما قلّ و جلّ حتّى الخيط و المخیط» امانت را به صاحبش برگردان، چه نیکوکار باشد و چه گناهکار، ارزشمند باشد یا ناچیز، اگر چه مقداری نخ باشد و یا پارچه و لباسی دوخته شده. (۲)

* همه ی نعمت های مادی، معنوی و سیاسی، امانت الهی هستند. (امام خمینی قدس سره فرمود: جمهوری اسلامی، امانت الهی است)

* قرآن کریم برخی از اهل کتاب را که امانتدار هستند، ستوده است. «و من اهل الكتاب من ان تأمنه بقطار يؤده اليك» (۳)
اگر به برخی از اهل کتاب، مال فراوانی به امانت بسپاری، آن را به تو برمی گرداند.

ص: ۵۹

۱- ۱۲۳) میزان الحکمه و سفینة البحار، واژه «امانت».

۲- ۱۲۴) بحار، ج ۷۷، ص ۲۷۳.

۳- ۱۲۵) آل عمران، ۷۵.

پرتوی از نور (۸) « دلایل بهترین آفریدگار

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

(مؤمنون، ۱۲ - ۱۴)

و همانا ما انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم. سپس او را به صورت نطفه در جایگاهی استوار قرار دادیم. سپس از نطفه، لخته خونی آفریدیم، آن گاه لخته خون را پاره گوشتی ساختیم و پاره گوشت را به صورت استخوان هایی در آوردیم، و استخوان ها را با گوشت پوشانیدیم، سپس آن را آفرینش تازه ای دادیم، پس شایسته ی تکریم و تعظیم است خداوندی که بهترین آفرینندگان است.

دلایل بهترین خالق بودن خداوند بسیار است، از جمله:

(الف) خالقیت او دایمی است.

(ب) محدودیت به اشیاى خاصى ندارد.

(ج) تنوع در آن نامحدود است.

(د) از ساده ترین چیز مهم ترین را می سازد.

(ه) مواد اولیه اش از خودش می باشد.

(و) در ساختن تقلید نمی کند.

(ز) پشیمانی و تردید در او راه ندارد.

(ح) بر اساس رحمت می آفریند و ساخته هایش هدفدار است.

(ط) ساخته او با نظام هستی هماهنگ است.

۳۴- نوح و توجه به خدا

پرتوی از نور (۸) « نوح و توجه به خدا

وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (مؤمنون، ۲۹)

وبگو: پروردگارا! مرا با نزولی پر برکت فرود آور که تو بهترین فرود آورندگان.

حضرت نوح در تمام مراحل زندگی به یاد خدا بود:

* در دعوت به توحید. «اعبدواالله»(۱)

* در ساختن کشتی با الهام خدا. «اصنع الفلک باعیننا و وحینا»(۲)

* در سوار شدن، با حمد الهی. «فاذا استویت... فقل الحمد لله»(۳)

* در حرکت با نام خدا. «بسم الله مجراها و مرساها»(۴)

* در توقف، با دعا به درگاه او. «رب انزلنی»(۵)

۳۵- شبهه پراکنی کفار

پرتوی از نور (۸) « شبهه پراکنی کفار

وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشْرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ * أَلَيْدُكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْكُمْ مُخْرَجُونَ * هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ (مؤمنون، ۳۴ - ۳۶)

و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، قطعاً زیانکارید. آیا (آن پیامبر) به شما وعده می دهد که وقتی مردید و خاک و استخوان هایی (پوسیده) شدید، شما (از قبر) بیرون آورده می شوید؟! دور است دور، آنچه به شما وعده داده شده است.

کفار و مشرکان با مطرح کردن شبهات و ارائه شعارهایی سعی در دور کردن مردم از پیامبران الهی داشتند، از جمله:

ص: ۶۱

٢-١٢٧) مؤمنون، ٢٧.

٣-١٢٨) مؤمنون، ٢٨.

٤-١٢٩) هود، ٤١.

٥-١٣٠) مؤمنون، ٢٩.

* پیامبر یک انسان معمولی است. «بشراً»

* بر دیگران امتیازی ندارد. «مثلکم»

* پیروی از پیامبران خسارت است. «لخاسرون»

* قیامت و زندگی دوباره دور است. «هیئات هیئات» (چون انبیا مکرر و همیشه وعده ی قیامت می دادند، «توعدون» مخالفان هم کلمه «هیئات» را تکرار کردند)

آنچه ذکر شد، برخی شعارهای لجوجانه یا فریبنده ی کافران و حق ستیزان است. آنان با تبلیغات گسترده، پیروی از پیامبران را خسارت می دانند؛ ولی هدفشان این است که مردم را مطیع خود سازند و با شعار آزادی، ملت ها را به بردگی کشانند.

۳۶- اُمت یگانه

پرتوی از نور (۸) « اُمت یگانه

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (مؤمنون، ۵۲)

و البته این اُمت شما اُمت واحدی است، و من پروردگار شما هستم؛ پس، از من پروا کنید.

در جهان بینی دینی و از دیدگاه الهی تمام اُمت ها در حقیقت یک اُمت هستند، «اُمه واحده» زیرا:

* اصول دعوت همه ی پیامبران الهی یکی است.

* نیازهای فطری و روحی و جسمی مردم یکی است.

* خالق و پروردگار همه یکی است.

۳۷- مراحل تکامل معنوی انسان

پرتوی از نور (۸) « مراحل تکامل معنوی انسان

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (مؤمنون، ۶۰)

و کسانی که (اموال خود را در راه خدا) می دهند آنچه را دادند، در حالی که دل هایشان ترسان است از این که سرانجام به سوی پروردگارشان باز می گردند.

تکامل معنوی انسان در چند مرحله صورت می پذیرد که در این آیات مطرح شده است:

مرحله ی اول؛ علم و شناختی که مایه ی خشیت شود. «من خشیه ربهم»

مرحله ی دوم؛ ایمان عمیق و دایمی به آنچه درک کرده است. «یؤمنون»

مرحله ی سوم؛ دوری از انواع شرک ها، مخفی و آشکار. «لایشركون»

مرحله ی چهارم؛ انفاق از آنچه خدا عطا نموده است. «یؤتون...»

مرحله ی پنجم؛ مغرور نشدن و دغدغه داشتن که مبدا کارم ناقص یا معلم مردود یا وظیفه ام چیزی دیگری باشد و در قیامت پاسخ گو نباشم. «قلوبهم و جلّه»

۳۸- برخی شرایط مدیریت

پرتوی از نور (۸) « برخی شرایط مدیریت

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (مؤمنون، ۶۲)

و ما هیچ کس را جز به مقدار توانش تکلیف نمی کنیم، و نزد ما کتابی است که به حق سخن می گوید (و بر کار مردم گواه است) و به آنان هیچ ستمی نمی شود.

برخی شرایط مدیریت در این آیه ذکر شده است، از جمله:

الف) آشنایی به توانایی افراد و واگذاری کار به مقدار توان آنان. «وسعها»

ب) نظارت دقیق بر کار و وظایف آنان. «کتاب ینطق بالحق»

ج) عدالت در تنبیه یا تشویق آنان. «وهم لایظلمون»

۳۹- پیامدهای تأثیرپذیری حق

پرتوی از نور (۸) « پیامدهای تأثیرپذیری حق

وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ (مؤمنون، ۷۱)

و اگر حق، از هوس های آنان پیروی می کرد، قطعاً آسمان ها و زمین و کسانی که در آنها هستند تباه می شدند، ولی ما قرآنی به آنها دادیم که مایه ی یاد (وشرف و حیثیت) آنهاست، اما آنان از این یاد رویگردانند.

اگر حق، تابع هوس های مردم باشد، نظام هستی فاسد و تباه می شود، زیرا:

۱. هوس های مردم - حتی هوس های یک نفر - در زمان های مختلف، متضاد است.

۲. هوس های مردم، مفسده دارد.

۳. خواسته های مردم، یک بُعدی است و به ابعاد دیگر و آثار دور و نزدیک توجه ندارد.

۴۰- جلوه های طغیان در افراد مختلف

پرتوی از نور (۸) « جلوه های طغیان در افراد مختلف

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلْجُورُ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (مؤمنون، ۷۵)

و (بر فرض) اگر به آنها رحم کنیم و (رنج و عذاب و) بدبختی های آنان را برطرف سازیم (به جای هوشیاری و شکر) در طغیانشان کوردلانه اصرار می ورزند.

طغیان در افراد مختلف، تفاوت دارد:

* طغیان عالمان، در علم است که به وسیله ی تفاخر و مباهات جلوه می کند.

* طغیان ثروتمندان در مال است که به وسیله ی بخل خود را نشان می دهد.

* طغیان صالحان در عمل نیک است که به وسیله ی ریا و سُمعه (خودنمایی و شهرت طلبی) نمایان می شود.

* طغیان هواپرستان در پیروی از شهوت ها جلوه می کند. (۱)

۴۱- دلایل تأخیر عذاب

پرتوی از نور (۸) « دلایل تأخیر عذاب

وَ إِنَّا عَلٰی أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ (مؤمنون، ۹۵)

و بدون شک ما می توانیم آنچه را به آنان وعده می دهیم به تو نشان دهیم.

خداوند در این آیه پیامبرش را دلداری داده است که قدرت دارد گمراهان و کافران را عذاب کند؛ اما به دلایلی عذاب آنان را به تأخیر می اندازد از جمله:

الف) به آنان مهلت می دهد تا توبه کنند.

ب) با آنان اتمام حجت کند.

ج) در آینده افراد مؤمنی از نسل آنان به وجود می آید.

ص: ۶۵

د) به خاطر وجود پیامبر صلی الله علیه و آله که مایه ی رحمت و برکت است.

۴۲- تفاوت روزهای دنیا و آخرت

پرتوی از نور (۸) « تفاوت روزهای دنیا و آخرت

قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ * قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسئَلُ الْعَادِّينَ (مؤمنون، ۱۱۲ - ۱۱۳)

(خداوند) از آنان می پرسد: شما در زمین چقدر ماندید؟ می گویند: یک روز یا بخشی از یک روز، پس از شمارگران پرس.

در قیامت از مردم سؤال می شود: شما چه مدتی در دنیا اقامت داشتید؟ «کم لبثتم» این سؤال چندین بار در قرآن مطرح شده و هرکس طبق پندار خود پاسخی می دهد از جمله:

* ما به مقدار ساعتی از روز، در دنیا ماندیم. «ساعه من نهار»(۱)

* یک شامگاه، یا یک صبح. «عشیه اوضحاها»(۲)

* یک روز یا قسمتی از یک روز. «یوماً او بعض یوم»(۳)

ممکن است مراد از «کم لبثتم فی الارض» مدت توقف در قبر و عالم برزخ باشد.

۴۳- اهداف آفرینش انسان

پرتوی از نور (۸) « اهداف آفرینش انسان

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (مؤمنون، ۱۱۵)

پس آیا گمان می کنید که ما شما را بیهوده آفریده ایم، و شما به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟

قرآن برای آفرینش انسان اهدافی را بیان کرده، از جمله:

ص: ۶۶

٢-١٣٣) نازعات، ٤٦.

٣-١٣٤) مؤمنون، ١١٣.

۱. عبادت. «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (۱) من جن و انس را نيا فریدم جز برای این که عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).

۲. آزمایش. «خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (۲) (خداوند) مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید، که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید.

۳. برای دریافت رحمت الهی. «الَّذِينَ آمَنُوا مِن رَّبِّكَ وَ لَدَلَّكَ خَلْقَهُمْ» (۳) مگر کسی که پروردگارت به او رحم کند و (خداوند) برای همین (رحمت) مردم را آفرید.

۴۴- زیانکاران

پرتوی از نور (۸) « زیانکاران

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (مؤمنون، ۱۱۷)

و هر کس با خداوند، معبود دیگری بخواند، هیچ برهانی بر کار خود ندارد، پس قطعاً حساب او نزد پروردگارش خواهد بود، قطعاً کافران رستگار نمی شوند.

در اول این سوره، ذیل آیه ی یک، گروهی از رستگاران را ذکر کردیم، در پایان سوره با توجه به جمله ی «لا یفلح»، گروهی از زیانکاران را نیز یادآور می شویم:

* ستمگران. «لا یفلح الظالمون» (۴)

* گنهکاران. «لا یفلح المجرمون» (۵)

* جادوگران. «لا یفلح الساحرون» (۶)

ص: ۶۷

۱- (۱۳۵) ذاریات، ۵۶.

۲- (۱۳۶) ملک، ۲.

۳- (۱۳۷) هود، ۱۱۹.

۴- (۱۳۸) انعام، ۱۳۵.

۵- (۱۳۹) یونس، ۱۷.

۶- (۱۴۰) یونس، ۷۷.

* کافران. «لا یفلح الکافرون» (۱)

* آنها که به خداوند دروغ می بندند. «انّ الذّین یفترون علی الله الذّکر لایفلحون» (۲)

۴۵- یکپارچگی مسلمانان

پرتوی از نور (۸) «یکپارچگی مسلمانان

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (نور، ۱۲)

چرا زمانی که تهمت را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خویش گمان خوب نبردند و نگفتند که این تهمتی بزرگ و آشکار است؟

قرآن گاهی به جای کلمه ی «دیگران» کلمه ی «شما» را به کار برده است تا به مسلمانان بگوید همه ی شما یکی هستید. مثلاً به جای این که بگوید: به دیگران نیش و طعنه نزنید می فرماید: «لا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ» (۳) به خودتان نیش نزنید. و به جای این که بگوید: وقتی که وارد خانه ای شدید به دیگران سلام کنید، می فرماید: «فَسَلِّمُوا عَلٰی أَنْفُسِكُمْ» (۴) به خودتان سلام کنید.

در این آیه نیز به جای این که بگوید: به دیگران حسن ظن داشته باشید، می فرماید: «بأنفسهم خیراً» به خودتان حسن ظن داشته باشید.

ص: ۶۸

۱- (۱۴۱) مؤمنون، ۱۱۷.

۲- (۱۴۲) یونس، ۶۹.

۳- (۱۴۳) حجرات، ۱۱.

۴- (۱۴۴) نور، ۶۱.

۴۶- فواید و آفات زبان

پرتوی از نور (۸) « فواید و آفات زبان

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (نور، ۱۵)

آنگاه که از زبان یکدیگر (تهمت را) می گرفتید و با آنکه علم نداشتید دهان به دهان می گفتید و این را ساده و کوچک می پنداشتید در حالی که آن نزد خدا بزرگ است.

زبان، تنها عضوی است که در طول عمر انسان، از حرف زدن، نه درد می گیرد و نه خسته می شود. شکل و اندازه ی آن کوچک؛ اما جرم و گناه آن بزرگ است. چه بسیارند انسان های کافری که با گفتن یک جمله (شهادت به یگانگی خداوند) مسلمان و پاک می شوند و یا مسلمانانی که با گفتن کفر به خدا، یا انکار احکام دین، کافر و نجس می شوند.

زبان از یک سو می تواند با راستگویی، ذکر و دعا و نصیحت دیگران، صفا بیافریند و از سوی دیگر قادر است با نیش زدن به این و آن، کدورت ایجاد کند.

زبان کلید عقل و چراغ علم و ساده ترین و ارزان ترین وسیله ی انتقال تمام علوم و تجربیات است. (علمای اخلاق درباره ی زبان کتابها و مطالب بسیاری نوشته اند.)

۴۷- گام های شیطانی

پرتوی از نور (۸) « گام های شیطانی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (نور، ۲۱)

ص: ۶۹

ای کسانی که ایمان آورده اید! گام های شیطان را پیروی نکنید و هر کس پیرو گام های شیطان شود پس به درستی که او به فحشا و منکر فرمان می دهد و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، هرگز هیچ یک از شما پاک نمی شد ولی خداوند هر کس را بخواهد پاک می سازد و خداوند شنوا و داناست.

در قرآن چند مرتبه از «خُطوات الشیطان» سخن به میان آمده است؛

در مورد اتحاد و وحدت کلمه داشتن می فرماید: «أَدْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ» (۱)

و در مصرف غذا می فرماید: «كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ» (۲) از چیزهای حلال و دلپسند بخورید و مواظب گام های شیطان باشید و از آن پیروی نکنید.

و در این آیه نیز پیرامون اشاعه ی فحشا نسبت به مؤمنین می فرماید: از گام های شیطان پیروی نکنید.

نمونه پیروی از گام های شیطان عبارت است از: دوستی با افراد فاسد، بعد شرکت در مجالس آنان، سپس فکر گناه، بعد ارتکاب گناهان کوچک، پس از آن گناهان بزرگ و در پایان قساوت قلب و بدعابتی و پایانی شوم.

ص: ۷۰

۱- (۱۴۵) بقره، ۲۰۸.

۲- (۱۴۶) بقره، ۱۶۸.

۴۸- گواهی اعضای بدن در روز قیامت

پرتوی از نور (۸) « گواهی اعضای بدن در روز قیامت

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نور، ۲۴)

روزی که زبان ها و دست ها و پاهایشان علیه آنان به آنچه انجام داده اند گواهی می دهند.

گواهی دادن اعضای بدن بارها در قرآن مطرح شده است؛

در سوره ی فصلت می خوانیم: «حتی اذا ما جاءوها شهید علیهم سمعهم و ابصارهم و جلودهم بما كانوا یعملون» (۱) هنگامی که به دوزخ رسند، گوش و چشم و پوست بدن آنان به گناهایی که انجام داده اند، گواهی دهند.

در سوره ی یس می خوانیم: «الیوم نختیم علی أفواههم و تکلمنا ایدیهم و تشهد أرجلهم بما كانوا یکسبون» (۲) در آن روز بر دهان کافران مهر خموشی زنیم و دست هایشان با ما سخن گویند و پاهایشان به آنچه کرده اند گواهی دهند.

چون در شهادت باید علیه دیگری گواهی داد، پس معلوم می شود جوهر و شخصیت انسان غیر از اعضای اوست که علیه او شهادت می دهند. زیرا شاهد و مشهود باید از هم جدا باشند.

امام باقر علیه السلام فرمود: گواهی اعضای بدن علیه مؤمن نیست، بلکه علیه کسی است که عذاب او حتمی شده باشد. (۳)

ص: ۷۱

۱- (۱۴۷) فصلت، ۲۰.

۲- (۱۴۸) یس، ۶۵.

۳- (۱۴۹) تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۲، ص ۳۲.

پرتوی از نور (۸) « ثمرات حجاب و ترک جلوه گری

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ سَائِرَاتٍ مِمَّنْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَخَلْفَهُمْ وَلَا يُحِطْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ إِلَّا بِأَخْبَارِ لَدُنْهُمْ أُولَٰئِكَ حُدُودُ اللَّهِ لِقَوْمٍ عَلِيمٍ

إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِهِنَّ أَوْ سَائِرَاتٍ مِمَّنْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَخَلْفَهُمْ وَلَا يُحِطْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ إِلَّا بِأَخْبَارِ لَدُنْهُمْ أُولَٰئِكَ حُدُودُ اللَّهِ لِقَوْمٍ عَلِيمٍ

تَفْلِحُونَ (نور، ۳۱)

و به زنان با ایمان بگو: از بعضی نگاه های خود (نگاه های غیر مجاز) چشم پوشی کنند و دامن های خود را حفظ نمایند و جز آنچه (به طور طبیعی) ظاهر است، زینت های خود را آشکار نکنند و باید روسری خود را بر گردن خود بیفکنند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه ی آنان نیز پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکنند جز برای شوهر خود، یا پدر خود یا پدرشوهر خود، یا پسر خود، یا پسرشوهر خود (که از همسر دیگر است) یا برادر

خود، یا پسربرادر خود، یا پسرخواهر خود، یا زنان (هم کیش) خود، یا آنچه را مالک شده اند (از کنیز و برده)، یا مردان خدمتگزار که تمایل جنسی ندارند، یا کودکانی که (به سن تمیز نرسیده و) بر امور جنسی زنان آگاه نیستند. و نیز پای خود را به گونه ای به زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند آشکار شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا باز گردید و به درگاه خدا توبه کنید تا رستگار شوید.

حفظ حجاب و ترک جلوه گری ثمرات بسیاری دارد که برخی از آنها عبارت است از:

آرامش روحی، استحکام پیوند خانواده، حفظ نسل، جلوگیری از سوء قصد و تجاوز، پیشگیری از امراض مقاربتی و روانی، پائین آمدن آمار طلاق، خودکشی، فرزندان نامشروع و سقط جنین، از بین رفتن رقابت های منفی، حفظ شخصیت و انسانیت زن، و نجات او از چشم ها و دل های هوسبازی که امروز دنیای غرب و شرق را در لجن فرو برده است.

۵۰- ازدواج در روایات

پرتوی از نور (۸) « ازدواج در روایات

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور، ۳۲)

پسران و دختران بی همسر و غلامان و کنیزان شایسته ی (ازدواج) خود را همسر دهید. (و از فقر نترسید که) اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خود بی نیازشان می گرداند. خداوند، گشایشگر داناست. (او از فقر و نیاز شما آگاه و بر کفایت شما وعده داده است و در عمل به وعده اش قدرت دارد)

پدر و مادری که با داشتن امکانات، فرزندشان را همسر نمی دهند، اگر فرزند مرتکب گناه شود، والدین در گناه او شریک هستند. (۱)

درباره ی ازدواج، روایات بسیاری آمده است که به چند مورد آن اشاره می کنیم:

ص: ۷۳

* امام صادق علیه السلام فرمود: توسعه زندگی، در سایه ازدواج است.

* کسی که از ترس فقر ازدواج نکند، به خداوند بدگمان است.

* دورکعت نماز کسی که همسر دارد، بهتر از هفتاد رکعت نماز کسی است که همسر ندارد. (۱)

۵۱- دستورات ملازم یکدیگر

پرتوی از نور (۸) « دستورات ملازم یکدیگر

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (نور، ۵۴)

بگو: خدا را اطاعت کنید و پیامبر را نیز اطاعت کنید. پس اگر سرپیچی نمایید، (به او زبانی نمی رسد، زیرا) بر او فقط آن (تکلیفی) است که به عهده اش گذاشته شده و بر شما نیز آن (تکلیفی) است که به عهده ی شما گذاشته شده است. و اگر اطاعتش کنید، هدایت می یابید و پیامبر جز تبلیغ روشن مسئولیتی ندارد.

در قرآن به مواردی برمی خوریم که دو دستور از طرف خدا در کنار یکدیگر ذکر شده و باید هر دو دستور اجرا شود و عمل کردن به یکی از آن دو کافی و قابل قبول نیست، از جمله:

* ایمان و عمل. «آمِنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (۲)

* نماز و زکات. «اقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (۳)

* تشکر از خداوند و والدین. «أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ» (۴)

* اطاعت از خدا و رسول. «اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ» که در این آیه آمده است.

ص: ۷۴

۱- ۱۵۱) مجموعه روایات از تفسیر نورالثقلین می باشد.

۲- ۱۵۲) بقره، ۲۵.

۳- ۱۵۳) بقره، ۴۳.

۴- ۱۵۴) لقمان، ۱۴.

پرتوی از نور (۸) « حجاب و موارد استثنای آن

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (نور، ۶۰)

و بر زنان وانشسته ای که امیدی به ازدواج ندارند، باکی نیست که پوشش خود را زمین گذارند، به شرطی که زینت خود را آشکار نکنند. و عفت ورزیدن برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و آگاه است.

از آیات قرآن استفاده می شود که در مسأله ی حجاب، ملاک این است که پوشش بانوان تحریک کننده و شهوت انگیز نباشد؛ زیرا تنها موارد زیر را استثنا نموده است:

* «غیر اولی الاربه» (۱) کسی که شهوتی ندارد.

* «او الطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء» بچه ای که از مسائل شهوت، چیزی نمی داند.

* «حین تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ» (۲) هنگامی که لباستان را کنار می گذارید و با همسر خود هستید.

* «لایرجون نکاحاً» زنان از کار افتاده ای که امید ازدواج ندارند.

بنابراین، مسأله روی تحریک احساسات جنسی و گناه دور می زند و اگر حدّاقلاً حجاب اسلامی، برای جلوگیری از گناه کافی نبود، لازم است بانوان چادر و حجاب برتر داشته باشند، تا دیگران مرتکب گناه نشوند.

ص: ۷۵

۱- (۱۵۵) نور، ۳۱.

۲- (۱۵۶) نور، ۵۸.

۵۳- آثار توجّه و غفلت از خدا

پرتوی از نور (۸) « آثار توجّه و غفلت از خدا

إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا * وَإِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا (فرقان، ۱۲ - ۱۳)

چون (دوزخ) از فاصله ی دور آنان (کافران) را ببیند، خشم و خروشی از آن می شنوند. و چون به زنجیر بسته شده، در مکانی تنگ از آن انداخته شوند، آنجاست که ناله زنند (و مرگ خود را می خواهند).

غفلت از خدا در دنیا و آخرت، تنگنمایی سخت به دنبال دارد؛ اما در دنیا: «يَجْعَلُ صِدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا» (۱) خداوند سینه او را تنگ قرار می دهد، «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (۲) هر کس از یاد من روی بگرداند، قطعاً برای او زندگی تنگی است.

و اما در آخرت: «وَإِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا» (۳) در جهنم در مکانی تنگ انداخته شوند.

و بر عکس، توجّه و ایمان به خدا، هم در دنیا مایه ی گشایش است: «الْفَتْحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّن السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (۴) درهای بَرَكَاتِ آسمان و زمین را بر روی آنان می گشاییم.

هم در آخرت: «حَتَّىٰ إِذَا جَاؤَهَا فَتَحَتْ أَبْوَابَهَا» (۵) هنگام ورود به بهشت، درهای آن گشوده می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از «مکان بعید»، فاصله ی یک سال راه است. (۶)

ص: ۷۶

۱- (۱۵۷) انعام، ۱۲۵.

۲- (۱۵۸) طه، ۱۲۴.

۳- (۱۵۹) فرقان، ۱۳.

۴- (۱۶۰) اعراف، ۹۶.

۵- (۱۶۱) زمر، ۷۳.

۶- (۱۶۲) تفسیر مجمع البیان.

۵۴- انگیزه های پرسیدن

پرتوی از نور (۸) « انگیزه های پرسیدن

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ (فرقان، ۱۷)

(و یاد کن) روزی که خداوند مشرکان و آن چه را به جای خدا می پرستیدند (در یک جا) محشور کند، پس (به معبودهای آنان) گوید: آیا شما بندگان مرا گمراه کردید، یا خودشان راه را گم کردند؟

انگیزه های سؤال و پرسش کردن یکسان نیست:

الف) گاهی برای فهمیدن است. «فاسئلوا اهل الذکر»(۱)

ب) گاهی برای توبیخ دیگران است. «ءانت قلت للناس اتخذوني وأمى الهين من دون الله»(۲) خداوند برای توبیخ طرفداران عیسی علیه السلام او را مورد عتاب قرار می دهد که آیا تو به مردم گفتی علاوه بر «الله»، من و مادرم را دو خدای دیگر بگیری؟

ج) گاهی برای توبیخ خود شخص است. «ام هم ضلوا السبیل»

۵۵- عوامل نسیان و غفلت

پرتوی از نور (۸) « عوامل نسیان و غفلت

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانْ يَبْغَى لَنَا أَنْ نَنجِدَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَآيَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا(فرقان، ۱۸)

(معبودها) گویند: خدایا! تو منزهی، مارا نرسد که غیر از تو سرپرستی بگیریم ولی تو آنان و پدرانشان را چنان کامیاب گرداندی که یاد (تو و قرآن) را فراموش کردند و گروهی هلاک و سر در گم شدند.

ص: ۷۷

۱- (۱۶۳) نحل، ۴۳ و انبیاء، ۷.

۲- (۱۶۴) مائده، ۱۱۶.

برخی عوامل نسیان و غفلت انسان در قرآن عبارتند از:

الف) مال و ثروت که در این آیه آمده است.

ب) فرزند و خانواده. «لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالِكُمْ وَلَا أَوْلَادِكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (۱)

ج) تجارت. «لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (۲)

د) شیطان، تفرقه، قمار و شراب. «أَنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُصَدِّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (۳)

۵۶- آثار ظلم

پرتوی از نور (۸) « آثار ظلم

فَقَدْ كَذَّبْتُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِم مِّنْكُمْ نُدِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا (فرقان، ۱۹)

خداوند در آن روز به مشرکان می فرماید: این معبودها گفته های شما را انکار کردند؟ نه برای برطرف کردن قهر خدا توانی دارید، نه می توانید حمایتی (از کسی) دریافت کنید و هر کس از شما ظلم کرده (و شرک ورزد) عذاب بزرگی به او می چشانیم.

خداوند در قرآن برای ظلم آثاری بیان کرده است از جمله:

۱. ناکامی. «وَاللَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (۴) خداوند توطئه های ستمگران را به جایی نمی رساند.

۲. محرومیت از الطاف الهی. «الَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (۵)

۳. عذاب. «الَّا إِنَّ الظَّالِمُونَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ» (۶)، «نُدِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا»

۴. نپذیرفتن جایگزین برای عذاب. «وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ» (۷)

ص: ۷۸

۲-۱۶۶) نور، ۳۷.

۳-۱۶۷) مائده، ۲۱.

۴-۱۶۸) توبه، ۱۹.

۵-۱۶۹) هود، ۱۸.

۶-۱۷۰) شوری، ۴۵.

۷-۱۷۱) زمر، ۴۷.

۵. نپذیرفتن عذر. «لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذرتَهُمْ» (۱) ولی بدتر از بی فایده بودن عذر، اجازه ندادن برای عذرخواهی است. «و لا يُؤذَنَ لَهُمْ فَيَعْتَدِرُونَ» (۲)

۵۷- ترتیل در تلاوت قرآن

پرتوی از نور (۸) « ترتیل در تلاوت قرآن

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً (فرقان، ۳۲)

و کسانی که کفر ورزیدند، (بهانه ی دیگری آورده و) گفتند: چرا (تمام) قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟ (غافل از آن که ما) این گونه (نازل کردیم) تا دل تو را به وسیله ی آن استوار کنیم و آن را به تدریج و آرامی بر تو خواندیم.

* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ترتیل آن است که قرآن را با بیان روشن بخوانید، (نه مثل شعر، نه مثل نثر)، هنگام برخورد بر لطایف آن توقف کنید، روح و دل خود را صفا دهید و هدف شما در تلاوت، رسیدن به آخر سوره نباشد. (۳)

* حضرت علی علیه السلام فرمود: مراد از ترتیل، رعایت موارد وقف و ادای حروف است. (۴)

* امام صادق علیه السلام فرمود: ترتیل، یعنی زیبا و آرام خواندن قرآن، مکث کردن در آن و پناه بردن به خداوند در هنگام تلاوت آیات مربوط به آتش و عذاب، و دعا کردن هنگام برخورد با آیات بهشت و درخواست بهشت از خدای مهربان. (۵)

ص: ۷۹

۱- (۱۷۲) روم، ۵۷.

۲- (۱۷۳) مرسلات، ۳۶.

۳- (۱۷۴) تفسیر مجمع البیان.

۴- (۱۷۵) تفسیر کنزالدقائق و منهج الصادقین.

۵- (۱۷۶) تفسیر نمونه.

۵۸- انواع لباس و پوشش

پرتوی از نور (۸) «انواع لباس و پوشش»

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا (فرقان، ۴۷)

و او کسی است که شب را برای شما پوشش و خواب را آرام بخش گردانید و روز را زمان برخاستن (و تلاش) شما قرار داد.

«سَبْت» یعنی قطع و تعطیل کار. به استراحت بعد از تلاش نیز «سبت» می گویند. (۱) «نُشور» از «نُشِر»، به معنای پخش شدن مردم در روز برای کار و تلاش است.

در قرآن کریم از چند چیز به عنوان «لباس» یاد شده است:

* شب. «جعل لكم الليل لباسا» (۲)

* همسر. «هنّ لباس لكم و انتم لباس لهنّ» (۳)

* تقوا. «و لباس التقوى ذكك خیر» (۴)

۵۹- پاداش زحمات پیامبر

پرتوی از نور (۸) «پاداش زحمات پیامبر»

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (فرقان، ۵۷)

بگو: از شما هیچ گونه مزدی در برابر رسالتم درخواست نمی کنم، مگر (این که) کسی بخواهد (با راهنمایی من) به سوی پروردگارش راهی در پیش گیرد.

قرآن درباره پاداش زحمات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چند نوع تعبیر دارد که در دعای ندبه، در کنار هم آمده است:

* پاداش من بر خداست. «ان اجرى الا على الله» (۵)

ص: ۸۰

٢-١٧٨) فرقان، ٤٧.

٣-١٧٩) بقره، ١٨٧.

٤-١٨٠) اعراف، ٢٦.

٥-١٨١) سبأ، ٤٧.

* پاداش من محبت اهل بیت من است. «الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى» (۱)

* پاداشم در خط خدا بودن شماست. «يَتَّخِذُ إِلَيَّ رَبَّهُ سَبِيلًا» (۲)

* پاداشی که خواستم به نفع خود شماست. «وَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهَوَ لَكُمْ» (۳) زیرا مودت رهبران معصوم کلید و رمز قرار گرفتن در خط خدا می باشد و بهره بردن مردم از انتخاب چنین راهی، به سود خود آنان می باشد، پس سود مادی برای شخص پیامبر در کار نیست.

۶۰- گستره رحمت الهی

پرتوی از نور (۸) « گستره رحمت الهی

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسُئِلَ بِهِ خَبِيرًا

(فرقان، ۵۹)

خدایی که آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روزگار آفرید. سپس بر عرش (قدرت) استیلا یافت (وبه تدبیر جهان پرداخت). اوست خدای رحمان، پس از او بخواه که بر همه چیز آگاه است، (یا درباره او از خُبره ای بپرس که می داند).

رحمت الهی بر همه چیز گسترده است:

۱. نظام تکوین و آفرینش جهان، بر اساس رحمت است. «خلق السموات والارض... الرحمن»

۲. نظام آفرینش انسان، بر اساس رحمت است. «الْأَمِنْ رَحْمِ رَبِّي وَ لَذَلِكَ خَلَقَهُمْ» (۴)

۳. نظام تشريع و قانون گذاری، بر اساس رحمت است. «الرَّحْمَنُ

ص: ۸۱

۱- (۱۸۲) شوری، ۲۳.

۲- (۱۸۳) فرقان، ۵۷.

۳- (۱۸۴) سبأ، ۴۷.

۴- (۱۸۵) هود، ۱۱۹.

۴. نظام قیامت و حسابرسی، بر اساس رحمت است. «کتب علی نفسه الرحمه لیجمعنکم» (۲)

۶۱- اعتدال در انفاق

پرتوی از نور (۸) «اعتدال در انفاق

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان، ۶۷)

آنان که هرگاه انفاق کنند، نه از حد گذرند و نه تنگ گیرند و میان این دوروش اعتدال دارند.

امام صادق علیه السلام مقداری سنگریزه از زمین برداشت و مشت خود را بست و فرمود: این اِقتار (سخت گیری و بخل ورزیدن) است، سپس مشت دیگری برداشت و دست خود را چنان گشود که همه ی سنگریزه ها به زمین ریخت، آن گاه فرمود: این اسراف است. بار سوم مشت دیگری برداشت و دست خود را کمی باز کرد به طوری که مقداری از سنگریزه ها ریخت و مقداری در دستش باقی ماند، سپس فرمود: این، قوام و اعتدال و حدوسط است. (۳)

۶۲- عوامل مضاعف شدن کیفر

پرتوی از نور (۸) «عوامل مضاعف شدن کیفر

يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا (فرقان، ۶۹)

در روز قیامت عذاب او دوچندان می شود و همیشه به خواری در آن خواهد ماند.

ص: ۸۲

۱- (۱۸۶) الرحمن، ۱-۲.

۲- (۱۸۷) انعام، ۱۲.

۳- (۱۸۸) تفسیر کنزالدقائق.

عواملی وجود دارد که کیفر را چند برابر می کند. برخی از آن عوامل به این شرح است:

۱. گاهی داشتن شخصیت اجتماعی، کیفر مجرم را دو برابر می کند. خداوند به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ يَأْتِ مِنْكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ» (۱) هر کس از شما همسران پیامبر کار زشت انجام دهد، دو برابر کیفر دارید.
۲. گاهی زمان، گناه را دو برابر می کند. مثل گناه در روز جمعه، چنانکه در روایات آمده است که کار خیر و یا شر در روز جمعه دو برابر سنجیده می شود. (۲)
۳. گاهی گناه کلیدی است، یعنی علاوه بر انحراف شخص، دیگران را نیز منحرف می کند. «الْعٰذِيْنَ يَصِدُّوْنَ عَنِ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَ يَبْغُوْنَهَا عِوَجًا... يُضَاعَفْ لَهُمُ الْعَذَابُ» (۳)

۶۳- اهمیت دعا

پرتوی از نور (۸) « اهمیت دعا

قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (فرقان، ۷۷)

بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگار من برای شما وزن و ارزشی قائل نیست (زیرا سابقه ی خوبی ندارید). شما حق را تکذیب کرده اید و به زودی کیفر تکذیبتان دامن شما را خواهد گرفت.

کلمه ی «عَبَأُ» به معنای وزن و سنگینی است و جمله ی «ما يعبأ بكم ربّي» یعنی خداوند برای شما وزن و ارزشی قایل نیست، مگر در سایه دعا و عبادت شما.

ص: ۸۳

۱- (۱۸۹) احزاب، ۳۰.

۲- (۱۹۰) بحار، ج ۸۹، ص ۲۸۳.

۳- (۱۹۱) هود، ۱۹-۲۰.

کلمه ی «دعائکم» دو نوع معنا شده است:

الف) دعا کردن شما به درگاه خداوند، که همین ناله ها و تضرع ها و دعاها سبب عنایت خداوند به شماست. چنانکه در حدیث می خوانیم: کسی که اهل دعا باشد، هلاک نمی شود. (۱) بعد خداوند از گروه مقابل که اهل دعا نیستند شکایت می کند که شما حق را تکذیب کردند و به جای نیایش به سراغ بت ها و هوسها و طاغوت ها رفتید و حق را تکذیب نمودید که کيفرتان را خواهید دید.

ب) دعوت خداوند از مردم؛ زیرا سنت الهی دعوت از مردم برای پذیرفتن حق و اتمام حجت بر آنان است و اگر این دعوت نباشد؛ «لولا دعائکم» مردم ارزشی ندارند. آنچه آنان را موجود برتر و ارزشمند می کند، همان پذیرش دعوت خداوند می باشد، ولی شما دعوت الهی را نپذیرفتید و تکذیب نمودید، پس امید خیری در شما نیست و به کيفر عملتان می رسید.

خداوند در یک جا می فرماید: «و ما خلقتُ الجنَّ و الانس الا ليعبدون» (۲) بشر را برای عبادت آفریدم.

و در این آیه می فرماید: اگر دعای انسان نبود، او ارزشی نداشت.

بنابراین دعا روح و مغز عبادت است.

چنانکه در روایت می خوانیم: «الدعاء مُخَّ العباده» (۳)

ص: ۸۴

۱- ۱۹۲) کافی، ج ۴، ص ۲۲۸.

۲- ۱۹۳) ذاریات، ۵۶.

۳- ۱۹۴) غررالحکم.

۶۴- خصوصیات کفار

پرتوی از نور (۸) « خصوصیات کفار

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدِّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ * فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءٌ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (شعراء، ۵- ۶)

هیچ تذکر تازه ای از (طرف) خداوند مهربان برایشان نیامد، مگر آن که از آن روی گردان بودند. پس آنان تکذیب کردند، و به زودی اخبار (کیفر) آنچه را که به مسخره می گرفتند به آنان خواهد رسید.

در این آیات برای کفار سه خصلت بیان شده است: اعراض، تکذیب، استهزا.

آری، انسان به تدریج و گام به گام به سقوط کشیده می شود، ابتدا به حق بی اعتنایی و اعراض می کند، سپس آن را تکذیب و آن گاه حق را مسخره می کند؛ ولی بدترین حالت و صفت انسان، مسخره کردن حق است، لذا در این آیه می فرماید: در آینده، خیرهای مسخره کردن آنان به آنها خواهد رسید. و نمی فرماید: کیفر اعراض و تکذیب به آنان خواهد رسید.

۶۵- عوامل سعادت آفرین

پرتوی از نور (۸) « عوامل سعادت آفرین

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (شعراء، ۸۳)

(ابراهیم در ادامه ی سخن خود گفت:) پروردگارا! به من حکمت و دانش مرحمت فرما و مرا به صالحان ملحق کن!

سعادت انسان در چند جمله خلاصه می شود که در دعای حضرت ابراهیم آمده است:

الف) شناخت خداوند و معرفت درونی به او. «هَبْ لِي حُكْمًا»

ب) حضور در جامعه ی صالح. «أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»

ج) نام نیک در تاریخ. «لسان صدق فی الاخرین»

د) رسیدن به بهشت ابدی. «ورثه جنّه النعم»

۶۶- شفاعت در روایات

پرتوی از نور (۸) « شفاعت در روایات

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ * وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ (شعراء، ۱۰۰ - ۱۰۱)

در نتیجه (امروز) برای ما نه شفیعیانی وجود دارد و نه حتی یک دوست صمیمی.

در تفسیر مجمع البیان، روایاتی نقل شده که امامان معصوم علیهم السلام سوگند یاد کرده اند که شیعیان را شفاعت کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن در آن روز برای اهل بیت خود شفاعت می کند. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم، روز قیامت ما از شیعیان، چنان شفاعت کنیم که صدای منحرفان بلند شود: «فما لنا من شافعین و لا صدیق حمیم» (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در قیامت؛ قرآن، فامیل مؤمن، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام شفاعت می کنند. (۳)

۶۷- آفت ساخت و ساز

پرتوی از نور (۸) « آفت ساخت و ساز

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ * وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (شعراء، ۱۲۸ - ۱۲۹)

(هود به مردم گفت): آیا بر هر تپه ای بنا و قصری بلند از روی هوا و هوس می سازید؟ و کاخ های استوار می گیرید، به امید آنکه جاودانه بمانید؟

ص: ۸۶

۱- ۱۹۵) تفسیر مجمع البیان.

۲- ۱۹۶) تفسیر المیزان.

۳- ۱۹۷) کنز العمال.

آفات ساختمان سازی، چهار چیز است:

الف) حرص و اسراف. «بکل ریع»

ب) تفاخر و خودنمایی. «آیه»

ج) بُلْهوسی. «تَعَبْثُون»

د) دنیا گرایی و غفلت. «لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ»

۶۸- روش دعوت انبیا

پرتوی از نور (۸) « روش دعوت انبیا

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا * وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (شعراء، ۱۴۱ - ۱۴۵)

قوم ثمود (نیز) پیامبران را تکذیب کردند. آنگاه که برادرشان صالح به آنان گفت: آیا (از شرک و انحراف) پروا نمی کنید؟ من برای شما پیامبری امین هستم. پس از خداوند پروا کنید و از من اطاعت نمایید. و من بر این رسالتم هیچ پاداشی از شما نمی خواهم. پاداش من جز برپروردگار جهانیان نیست.

روش دعوت تمام انبیا یکی است. در داستان نوح، هود، صالح، لوط و شعیب، همه آنان یک کلام و یک شعار داشتند:

همه می گفتند: «الَّا تَتَّقُونَ»

همه می گفتند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا»

همه می گفتند: «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ»

همه می گفتند: «مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ»

و خلاصه ی پیام همه ی آنان چند چیز بود: برادری، تقوا، پیروی از رهبر، بی توقعی، توکل بر خدا و اطمینان دادن به

مردم که ما به نفع شما و امین شما هستیم.

۶۹- امتیازات قرآن

پرتوی از نور (۸) « امتیازات قرآن

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ * وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ
(شعراء، ۱۹۲ - ۱۹۶)

و البته این (قرآن) فرستاده ی پروردگار جهانیان است. (که جبرئیل) فرشته ی امین الهی آن را فرو آورده بر دل تو، تا از هشداردهندگان باشی. (این قرآن) به زبان عربی روشن (نازل شده) و همانا (خبر) آن در کتاب های (آسمانی) پیشین آمده است.

قرآن را ساده ننگریم، زیرا:

الف) سرچشمه ی آن، «رب العالمین» است.

ب) واسطه ی آن، «روح الامین» است.

ج) ظرف آن، قلب پاک پیامبر صلی الله علیه وآله «قلبک» است.

د) هدف آن، بیداری مردم «المنذرين» است.

ه) زبان آن، فصیح و بلیغ «عربی مبین» است.

و) بشارت آن، در کتاب های پیشینیان، «زُبرِ الاُولین» است.

۷۰- نفی ظلم از خداوند

پرتوی از نور (۸) « نفی ظلم از خداوند

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيهِ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ * ذِكْرَى وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ (شعراء، ۲۰۸ - ۲۰۹)

و ما (مردم) هیچ منطقه ای را هلاک نکردیم، مگر آن که بیم دهندگانی داشتند. تاملی ی پند و عبرت باشد، و ما ستمکار نبودیم (که بدون هشدار مجازات کنیم).

خداوند، هر فرد و قوم گمراهی را زمانی هلاک می کند که از قبل به آنان هشدار داده باشد، و گرنه عقوبت بدون هشدار ظلم است و ظلم در شأن خداوند نیست. قرآن، این حقیقت را در آیات مختلف بیان کرده است:

* «و ما ظلمناهم» (۱۹۸) ما به آنان ظلم نکردیم.

* «و ما الله يُرید ظلما» (۱۹۹) خداوند اراده ی ظلم نمی کند.

* «ما كان الله ليظلمهم» (۱) شأن خداوند ظلم کردن نیست.

* «لا يظلمون نقيرا» (۲)، «لا يظلمون شيئا» (۳) کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.

* «لا يظلمون فتیلا» (۴) خداوند به اندازه نخ درون هسته خرما و کمتر از آن ظلم نمی کند.

* «لا يظلم مِثقال ذرّة» (۵) به اندازه سنگینی ذره ای ستم نمی کند.

۷۱- تنوع وحی

پرتوی از نور (۸) « تنوع وحی

و ما تنزلت به الشیاطین * و ما یبغی لهم و ما یشتطیعون * إنهم عن السمع لمعزولون

(شعراء، ۲۱۰ - ۲۱۲)

و قرآن را شیطان ها نازل نکرده اند. نه سزاوار آنان است (که شیاطین آن را نازل کنند) و نه قدرت بر این کار دارند. بی شک آنها از شنیدن (اخبار آسمانی) برکنارند.

وحی دو نوع است: الف) وحی الهی که به وسیله ی

ص: ۸۹

۱- ۲۰۰) عنكبوت، ۴۰.

۲- ۲۰۱) نساء، ۱۲۴.

۳- ۲۰۲) مریم، ۶۰.

۴- ۲۰۳) نساء، ۴۹.

روح الامین بر قلب پیامبر صلی الله علیه وآله نازل می شود، که این نوع وحی نه سزاوار جنّ و شیاطین است و نه آنها توان دریافت و ارسال آن را دارند. «و ما ینبغی لهم و ما یستطیعون»

ب) نوع دیگر، وسوسه ها و الهام های شیطانی است که شیطان ها بر دوستان و اولیای خود القا می کنند. «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ» (۱)

۷۲- آتش در قرآن

پرتوی از نور (۸) « آتش در قرآن

إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاتِيكُمْ مِنْهَا بَخْبَرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشَهَابٍ مِّنْ سَمَوَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ * فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (نمل، ۷ - ۸)

(یاد کن) زمانی که موسی به خانواده ی خود گفت: همانا من آتشی احساس کردم (شما در همین مکان توقف کنید)، به زودی برای شما خبری از آن خواهم آورد، یا شعله ی آتشی برای شما می آورم، باشد که خود را گرم کنید. پس همین که (موسی) نزد آن آمد، ندا داده شد که هر که در آتش و هر که اطراف آن است برکت داده شد و منزّه است خداوندی که پروردگار جهانیان است.

قرآن در موارد متعددی از آتش سخن گفته است:

* ابلیس به آن افتخار کرد. «خلقتنی من نار» (۲)

* کافر به آن کیفر می شود. «تصلی ناراً حامیه» (۳)

* ابراهیم در آن سالم ماند. «یا نار کونی برداً» (۴)

ص: ۹۰

۱- (۲۰۵) انعام، ۱۲۱.

۲- (۲۰۶) اعراف، ۱۲.

۳- (۲۰۷) غاشیه، ۴.

۴- (۲۰۸) انبیاء، ۶۹.

* موسی به سراغ آتش برای خانواده رفت؛ ولی پیامبر شد. «آنت ناراً ... نودی» (۱)

* ذوالقرنین به وسیله آن فلزات را ذوب و سدسازی کرد. «قال انفخوا حتّی اذا جعله ناراً» (۲)

۷۳- ویژگی های جنیان

پرتوی از نور (۸) «ویژگی های جنیان

وَ حَشْرَ لِسَلِيمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (نمل، ۱۷)

و برای سلیمان، سپاهیان از جنّ و انس و پرنده گرد آمدند، پس از تشتّت و بی نظمی بازداشته می شدند (تا در رکابش باشند).

قرآن بارها از جنّ سخن به میان آورده و یکی از سوره های آن به همین نام است. در اینجا به چند ویژگی آنها اشاره می کنیم:

* جنّ، موجودی است باشعور و مخاطب پروردگار قرار می گیرد. «یامعشرالجنّ والانس» (۳)

* بعضی از آنها مؤمن و بعضی کافرند. «و انا منّا المسلمون» (۴)، «و انا منّا الصالحون و منّا دون ذلك» (۵)

* زن و مرد دارند، زاد و ولد دارند و در نتیجه شهوت دارند. «لم یطمئنهنّ انس قبلهم ولا جان» (۶)

* برای سلیمان، غوّاصی و بنّایی می کردند. «والشّیاطین کلّ بناء و غوّاص» (۷)

ص: ۹۱

۱- (۲۰۹) نمل، ۷-۸.

۲- (۲۱۰) کهف، ۹۶.

۳- (۲۱۱) انعام، ۱۳۰.

۴- (۲۱۲) جنّ، ۱۴.

۵- (۲۱۳) جنّ، ۱۱.

۶- (۲۱۴) الرحمن، ۵۶.

۷- (۲۱۵) ص، ۳۷.

۷۴- عمل صالح یا صالح بودن

پرتوی از نور (۸) « عمل صالح یا صالح بودن

فَتَبَسَّمْ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (نمل، ۱۹)

پس (سلیمان) از سخن این مورچه با تبسمی خندان شد و گفت: پروردگارا! به من الهام کن (و توفیق ده) که نعمتی که به من و به والدینم بخشیده ای شکر کنم و عمل صالحی که آن را می پسندی انجام دهم و در سایه ی رحمت خود، مرا در زمره ی بندگان شایسته ات وارد کن.

کار صالح به تنهایی کافی نیست، ورود در گروه صالحان مهم است، زیرا:

* گاهی کار، صالح است؛ ولی فرد از نظر نفسانی صالح نیست و گرفتار ریا، شمع، غرور، عجب و حبط می شود.

* گاهی کار صالح است؛ ولی عاقبت انحرافی پیش می آید و شخص عاقبت به خیر نمی شود.

* گاهی کار صالح است؛ ولی یک نوع تک روی در آن است و شخص حاضر نیست با بندگان خدا همراه باشد. «اعمل صالحا... فی عبادک الصالحین»

۷۵- عوامل انحراف

پرتوی از نور (۸) « عوامل انحراف

وَجَدْتُهُمْ وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمْ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (نمل، ۲۴)

ص: ۹۲

آن زن و قومش را چنین یافتیم که به جای خدا برای خورشید سجده می کنند و شیطان اعمالشان را در نظرشان آراسته، پس آنان را از راه (حق) بازداشته و آنان هدایت نمی شوند.

عوامل انحراف عبارتند از:

الف) رهبر گمراه. «وجدتها و قومها يسجدون للشمس»

ب) زرق و برق. «يسجدون للشمس»

ج) امکانات و رفاه. «اوتيت من كل شيء»

د) شیطان و تزئین های او. «زين لهم الشيطان»

۷۶- دلایل مستجاب نشدن دعا

پرتوی از نور (۸) « دلایل مستجاب نشدن دعا

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ قَلِيلًا مَّا تَدْكُرُونَ (نمل، ۶۲)

کیست که هر گاه درمانده ای او را بخواند، اجابت نماید و بدی و ناخوشی را برطرف کند، و شما را جانشینان (خود در) زمین قرار دهد؟ آیا با خداوند معبودی است؟ چه کم پند می پذیرید.

هر جا که دعای ما مستجاب نشود، دلیلی دارد، همچون:

الف) دعای ما، طلب خیر نبوده و ما گمان می کردیم خیر است. (زیرا دعا، یعنی طلب خیر)

ب) نحوه درخواست، جدی و همراه با درماندگی نبوده است.

ج) در دعا اخلاص نداشته ایم؛ یعنی اگر به درگاه خداوند رو کرده ایم، به دیگران نیز چشم امید داشته ایم.

البته گاهی به جای استجاب آنچه می خواهیم، خداوند حکیم مشابه آن را به ما می دهد و گاهی به جای خواسته ی

ما، که نزد خداوند به مصلحت ما نیست، خداوند بلایی از ما دور می کند و گاهی به جای برآوردن حاجت در دنیا، در قیامت جبران می کند و گاهی به جای لطف به ما، به نسل ما لطف می کند که همه ی این مطالب در روایات آمده است.

۷۷- مراحل حیات

پرتوی از نور (۸) « مراحل حیات

إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (نمل، ۸۰)

بی شک، نمی توانی دعوت خود را به گوش مردگان برسانی، و نمی توانی کران را آنگاه که روی برمی گردانند و پشت می کنند، فراخوانی (و حقیقت را به آنان بفهمانی).

حیات، دارای مراحل است:

۱. حیات نباتی. قرآن می فرماید: «یحیی الارض بعد موتها» (۱) خداوند زمین را بعد از مرگ به وسیله ی باران زنده می کند.
۲. حیات حیوانی. «یحییکم» (۲) ما به شما حیات دادیم.
۳. حیات روحی. «لینذر من کان حیاً» (۳) تا افراد زنده را هشدار دهی. یعنی کسانی که عقل و فطرت سالم دارند. و می فرماید: «دعاکم لما یحییکم» (۴) دعوت انبیا برای حیات شماست.
۴. حیات سیاسی و اجتماعی. «ولکم فی القصاص حیا» (۵) اگر با اجرای حکم قصاص، عدالت برقرار کردید، جامعه زنده است (وگرنه جامعه ی مرده ای دارید).
۵. حیات اخروی. «یالیتنی قدّمت لِحیاتی» (۶) ای کاش برای حیات

ص: ۹۴

۱- ۲۱۶ عنکبوت، ۵۰.

۲- ۲۱۷ جاثیه، ۲۶.

۳- ۲۱۸ یس، ۷۰.

۴- ۲۱۹ انفال، ۲۴.

۵- ۲۲۰ بقره، ۱۷۹.

۶- ۲۲۱ فجر، ۲۴.

وزندگی حقیقی آخرت چیزی می فرستادم و ذخیره ای داشتم!

۷۸- رجعت و نمونه های آن در قرآن

پرتوی از نور (۸) « رجعت و نمونه های آن در قرآن

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مَّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ (نمل، ۸۳)

و (یاد کن) روزی که از هر امتی گروهی از کسانی که آیات ما را انکار می کنند محشور می کنیم، پس آنان از پراکنده شدن منع می شوند.

با توجه به اینکه در قیامت همه ی مردم محشور می شوند، «و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا» (۱) و آیه ی مورد بحث می فرماید: از هر امتی تنها گروهی را محشور می کنیم، روشن می شود که این مربوط به قیامت نیست؛ بلکه مربوط به رجعت است که قبل از قیامت گروهی زنده می شوند.

در قرآن برای زنده شدن در دنیا، نمونه هایی آمده است، از جمله در سوره ی بقره می خوانیم: خداوند به گروهی فرمان مردن داد، سپس آنان را زنده کرد؛ «فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مَتَوَاتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ» (۲) یا در جای دیگر می فرماید: ما شما را بعد از مرگ در همین دنیا زنده کردیم؛ «بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ» (۳) و به حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: تو با اذن من مرده ها را زنده از قبرها خارج می کنی؛ «اذ تخرج

الموتى ياذننى» (۴) و درباره ی یکی از اولیای خدا می فرماید: او را برای صد سال میراندیم و بعد از این مدت او را زنده کردیم؛ «فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ» (۵) همچنین در روایات بسیاری نیز وارد شده است که قبل از

ص: ۹۵

۱- (۲۲۲) کهف، ۴۷.

۲- (۲۲۳) بقره، ۲۴۳.

۳- (۲۲۴) بقره، ۵۶.

۴- (۲۲۵) مائده، ۱۱۰.

۵- (۲۲۶) بقره، ۲۵۹.

قیامت، افرادی که در ایمان یا کفر برجستگی دارند، به اراده ی خداوند زنده می شوند و با حاکمیت اهل حق، برای مدتی زندگی می کنند و سردمداران کفر، کیفر می شوند.

۷۹- وسایل آرام بخش در قرآن

پرتوی از نور (۸) « وسایل آرام بخش در قرآن

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (نمل، ۸۶)

آیا ندیدند که ما شب را قرار دادیم تا در آن آرام گیرند و روز را روشنی بخش ساختم؟ (تا در آن برای معاش خود تلاش کنند) حتماً در این امر برای کسانی که ایمان دارند عبرت هایی است.

در قرآن برخی امور به عنوان وسیله ی آرامش و سکینه معرفی شده اند، از جمله:

۱. یاد خدا. «الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (۱)

۲. امداد غیبی. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ» (۲)

۳. آثار و اشیای مقدّس. «أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ» (۳)

۴. تشویق اولیای الهی. «إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» (۴)

۵. سرپناه و خانه. «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (۵)

۶. همسر. «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا» (۶)

۷. شب. «أَنَا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا» (۷)

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

ص: ۹۶

۱- (۲۲۷) رعد، ۲۸.

۲- (۲۲۸) فتح، ۴.

۳- (۲۲۹) بقره، ۲۴۸.

۴- (۲۳۰) توبه، ۱۰۳.

٨٠-٥ (٢٣١) نحل، ٨٠.

٢١-٦ (٢٣٢) روم، ٢١.

٨٦-٧ (٢٣٣) نمل، ٨٦.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

